یادمان روح الله

مزایده مناقصه

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی

شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۱ | سال هفتم | شماره ۷۷۰
۱۱ رجب ۱۴۳۳ | ۸ صفحه رایگان
Saturday | Vol.7 | No.770
2 .June. 2012 | ISSN:2008-2886

بخشی از وصیت‌نامه حضرت امام خمینی (ره)

اکنون که من حاضرم بعضی نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود وممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لهذا عرض می‌کنم آن چه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست مگر آن که صدای من یا خط و امضا من باشد یا تصدیق کارشناسان یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم...

۲

گزیده‌ای از سخنان مقام معظم رهبری پیرامون شخصیت حضرت امام خمینی (ره)

ارتحال رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت‌ا... العظمی امام خمینی(ره) قدس‌ا... نفسه الزکیه حقاً ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر و صدمه‌ای بزرگ بود. امام عزیز با حیات، ابتکار و تحرک خود که از آن روح بزرگ و دل روشن بر می‌آید و هم‌چنین با مرگ پرحادثه و عروج ملکوتی...

۲

امام خمینی (ره)؛ سیاست مدار یا حقیقت مدار؟

احمدی نژاد در این یادداشت باورها و نگاه خود به امام را حل را به صورت روشن تبیین کرده است. متن این یادداشت بدین شرح است:
بسمه تعالی
در عصر امام خمینی، لیاقت آن را یافتیم که به چشم خود، دو فرهنگ سیاسی متفاوت را به موازات یکدیگر، تجربه...

امام خمینی (ره) اسطوره‌ای چند بعدی

امام خمینی(ره) بنیان گـذار بزرگ‌ترین نظام اسـلامی در تاریخ شـیعه و رهبر یکی از بزرگ‌تریـن انقلاب‌هـا در تاریخ جهـان بوده اسـت. نگاهی گذرا به تاریخ تشیع نشـان می دهد که شیعیان در اکثر برهه‌های تاریخ از رهبـری و مراجع تقلید بزرگی برخـوردار بوده‌اند: شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، علامه بحرالعلوم، شیخ صدوق، شیخ بهایی، علامه مجلسی، شیخ انصاری و.... اکنون این سؤال مطرح است که چرا این بزرگواران نتوانسـته‌اند آن چه را که امام خمینی(ره) انجام داد، انجـام دهند؟ چرا در تاریخ شـیعه انقلابی کـه به بزرگی و عظمـت انقلاب ایران باشـد از سـوی علمـا و فقهای شـیعه صورت نپذیرفته اسـت. دلایل توفیق امام خمینـی(ره) در انجام چنین کار سـترگی را باید در دو مقوله زیر جست‌وجو نمود: ۱- دلایل ساختاری ۲- دلایل شخصیتی

دلایل ساختاری

۱- انقلاب پدیده‌ای اجتماعی اسـت که ریشـه در تاریخ هر کشور دارد. تاریخ ایران از روزگارانی که بر یادها مانده و مکتوب شده همواره در چارچوب نظام پادشـاهی معنا شده اسـت. بنابراین امکان هر گونه تغییری در این چارچوب سـنتی و کهن نیازمند پیدایش فرصت‌ها و زمینه‌های خاص خود بوده اسـت. از زمان مشروطه به بعد با رواج ایده سـلطنت محدود کم کم در این باور جزمی مردم خلل ایجاد شد. اقدام امام خمینی(ره) در ساقط کردن سنت دست‌کم ۲۵۰۰ساله سلطنت و پادشاهی در ایران بر بسـتر تلاش‌های مشروطه‌خواهی استوار است که در ۷۰ سـال بعد از مشـروطه تا انقلاب با فراز و نشیب‌هایی تداوم یافت. در این میان نباید کتاب شریف تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله میرزای نایینی را در نقد اسـتبداد پادشـاهی به کمک مبانی اسـلامی نادیده گرفت. به هر ترتیب در لحظه وقوع انقلاب بستر و زمینه لازم برای ایده نفی سلطنت امام خمینی (ره) فراهم شده بود.

۲- جنبش مشـروطه در ایران هر چند بـا مداخله‌های بیگانگان و کم‌تجربگی عوامل داخلی به مسـیر درسـتی هدایت نشد و نهایتاً هم نتوانست ما را از استبداد پادشـاهی رهایی بخشد اما نیروی اجتماعی مردم را آزاد کرد. تاریخ ایران پیش از مشروطه تاریخ ایلات کوچ‌نشین اسـت و از نقش و اهمیت مردم یک‌جانشـین شـهری خبری نیست. تقریباً تمام سلسـله‌های پادشـاهی ایران سلسـله‌هایی هستند که توسط ایلات کوچ‌نشین تأسـیس شـده‌اند: صفویه، زندیه، قاجاریه. حتی سلسله‌های کهن ایرانی مانند هخامنشـیان و... نیز در آن زمان کوچ‌نشین بوده و به تعبیر ابن‌خلدون به دلیل دارا بودن عصبیت قوی و وابستگی‌های عمیق خویشاوندی بر یکجانشینان غلبه می کردند. به هر ترتیب در تاریخ سیاسـی غیرمعاصر ایران نقش برجسته و چندانی برای مردم شهرها و روستاهای کشـور مشهود نیست. اما به‌طور دقیق از زمان فتوای تنباکو توسـط میرزای شـیرازی نقش مـردم ایران در سیاست اغاز شده و در مشـروطه تداوم می‌یابد. انقلاب اسلامی ایران نقطـه اوج در بهره‌گیری صحیح و درسـت از نیـروی اجتماعی مردم ایران است که چنین حضور و مشارکت سیاسی مردمی در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده است.

۳- پهلوی‌ها مبارزه و حذف اسلام را در دستور کار قرار دادند و این امری بود که در تاریخ ایران سابقه نداشـت. هیچ گاه پادشاهان چنین کمر به نابودی دین نبسـته بودند. همین امر تکلیف و وظیفه را بر امام خمینی(ره) تمام کرد.

۴- تجربه ورود روحانیون در سیاسـت از مشـروطه به بعد تجربه چندان موفقی نبود. در مشـروطه نهایتاً شـیخ فضل‌ا... نـوری به دار آویخته شد. شهید مدرس در تبعید به شـهادت رسید. حرمت و شأن آیت‌ا... کاشانی در ماجرای ملی شدن نفت نهایتاً محفوظ نماند و نواب صفوی و یارانش به شـهادت رسـیدند. امام خمینی(ره) که در برخی از این صحنه‌ها شـخصاً حضور داشـت کوله‌باری از تجربه سیاسـی برای خود اندوخته بود. این عوامل که عمدتاً سـاختاری هستند، برای علمای پیش از امام(ره) فراهم نشـده بود. فضای سیاسـی و ساختار فکری جامعه اجازه نمی‌داد که برای نظام سـلطنت جایگزینی مطرح شود و ساختارهای سیاسی و قدرت جامعه نیز در دست مردم نبود.

چرا در تاریخ شـیعه انقلابی که به بزرگی و عظمـت انقلاب ایران باشد از سوی علما و فقهای شیعه صورت نپذیرفته است؟

دلایل شخصیتی

امـا از لحاظ شـخصیتی امام خمینـی(ره) شـخصیتی عجیب و جامع‌الاطراف دارند. ایشـان در فقه که عمده‌ترین تخصص روحانیون است به حدی رسیده که اکثر شیعیان جهان ایشـان را به عنوان اعلم فقها و مجتهدان به‌عنـوان مرجع تقلید انتخاب کردنـد. در حالی که بسیاری از فقها با فلسـفه مخالف بودند و حتی کسی که فلسفه بخواند را نجس می‌دانستند، امام خمینی(ره) در فلسفه تبحر خاصی داشتند. در عرفان نظری به ویژه بر آثار محی‌الدین عربی تسـلط داشـتند و در عرفان عملی نیز نماز شب ایشـان هیچ‌گاه ترک نشـده بود و زندگی بسیار زاهدانه‌ای داشـتند. در عین حال مفسر قرآن نیز بودند و تفسیر ایشان بر سـوره حمد مبین این معناست. در شـعر و ادبیات نیز دست داشتند و خود شاعر بودند. از لحاظ شـخصیتی نیز شجاعت ایشان از همان زمانی که آن مرد مسـت را از حوزه علمیه بیـرون راندند زبانزد خاص و عام شـد. امام خمینی(ره) در کنار فلسـفه، عرفان، فقه، شعر و تفسیر قرآن در سیاسـت هم تبحر داشـتند. تاریخ سیاسی معاصر ایران را به دقت واکاوی کـرده بودند. از همان جوانی در جلسـه‌های مجلس شـورای ملی حضور یافته و دفاعیات مدرس از اسـلام بر علیه رضاشـاه را به چشـم خود دیده بودند. در ماجرای ملی شـدن نفت از نزدیک تحولات را رصد کرده بودند. شـخصیت امـام خمینی(ره) نیز شـخصیتی جامع‌الاطراف و چندبعدی بود که در علمای سابق چنین جامعیتی کم‌تر دیده شده بود. مجموعه عوامل ساختاری و شخصیتی باعث شد که انقلاب اسـلامی ایران به عنوان پدیده‌ای شگرف و بدیع در تاریخ ۱۴۰۰ ساله شیعه پا به عرصه تاریخ جهان بگذارد.

داوود سرمست
رییس شورای اسلامی شهر اندیشه

گوهر کلام

گزیده‌ای از سخنان مقام معظم رهبری پیرامون شخصیت حضرت امام خمینی(ره)

■ ارتحال رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت‌ا... العظمی امام خمینی(ره) قدس‌ا... نفسه الزکیه حقاً ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر و صدمه‌ای بزرگ بود.
۶۸/۳/۲۲

■ امام عزیز با حیات، ابتکارو تحرک خود که از آن روح بزرگ و دل روشن بر می‌آید و هم‌چنین با مرگ پرحادثه و عروج ملکوتی خود به اسلام و انقلاب خدمت کردند.
۶۸/۳/۲۴

■ امروز (در ارتحال امام(ره) دشمنان انقلاب اسلامی تو دهنی سختی از مردم خورده‌اند.
۶۸/۳/۲۴

■ هنر بزرگ حضرت امام(ره) این بود که دیوارهای بین اجتماعات مردم را از بین برد و یک فضای وسیع با دل‌های آشنا به‌وجود آورد.
۶۸/۳/۲۴

■ امام کبیر(ره) ما عصر جدیدی را در زمان ما آغاز کردند.
۶۸/۳/۲۹

■ ایشان عصر گرایش و احترام به ارزش‌های انسانی و احترام به عدالت و حریت انسان و اصل احترام به آرای مردم را بنیان گذاشتند که حتی دشمنان ایشان هم به عظمت امام(ره) معترفند.
۶۸/۳/۲۹

■ این که امام(ره) می‌فرمودند (به من خدمتگزار بگویند بهتر است تا رهبر) با صداقت و راستی بود و تعارفی در کار نبود.
۶۸/۳/۲۹

■ اگر چه جای خالی امام(ره) برای ما سخت و تلخ است اما میراث گران‌بهای معمار بزرگ انقلاب، امام خمینی(ره) حفظ خواهد شد.
۶۸/۳/۲۹

■ راه و روش و اهداف امام خمینی(ره) همانند اهداف انبیا علیهم‌السلام بوده است.
۶۸/۴/۱

■ برای امام(ره)، امت اسلامی و اسلام مطرح بود و ایشان منطقه‌ای فکر نمی‌کردند.
۶۸/۴/۱

■ در سخت‌ترین مراحل، امام عزیزمان همواره آرام و مطمئن بودند و به مردم اطمینان فراوانی داشتند.
۶۸/۴/۱

■ امام (ره)، خوب این مردم را شناخته بودند و مردم هم حقاً و انصافاً امامشان را خوب شناخته بودند.
۶۸/۴/۶

■ خداوند امام(ره) عزیزمان را به عنوان گوهری یکدانه و ذخیره‌ای از سوی خود در میان ملت ما قرار داد.
۶۸/۴/۱۰

■ آن روح بزرگ و کوه سترتبر به دفعات در برابر عظمت مردم تکان می‌خورد و می‌لرزید.
۶۸/۴/۱۰

■ او که جوهره درخشان وجودی‌اش در سایه ربوبیت پروردگار آشکار شد، بارها و بارها سیاست‌های جهانی را جابه‌جا کرده و تغییر داد.
۶۸/۴/۱۰

■ امام عزیز با رحلت خود امت اسلام را یتیم کردند و شاید در دل‌ها، محیط زندگی و در جهان اسلام نتوان تا سال‌های متمادی این خلأعظیم را پر ساخت.
۶۸/۴/۱۰

■ کلام او همانند بمبی در دنیا منفجر شد و همه را تحت تأثیر قرار داد.
۶۸/۴/۱۰

■ او زنده است تا اسلام ناب محمدی (ص) زنده است و او زنده است تا پرچم عظمت اسلام و وحدت مسلمین و نفرت از ظالمین برافراشته است.
۶۸/۴/۱۷

■ آری امام خمینی(ره) زنده است تا امید زنده است و تا حرکت و نشاط هست و تا جهاد و مبارزه هست.
۶۸/۴/۱۷

■ طنین صدای او که ندای حق و عدل بود در دل‌های امتش و در فضای جهان هست و خواهد بود. او نمرده است و نخواهد مرد.
۶۸/۴/۱۷

■ برای او که راهرو راه پیامبران بود، هم‌چون خود پیامبران، مرگ جسم به معنای مرگ شخصیت نیست.
۶۸/۴/۱۷

■ برای حیطه‌بندی عظمت این شخصیت بزرگ به قلم توانا و زبان‌های گویا نیاز است.
۶۸/۴/۲۹

■ مرقد حضرت امام(ره) مرکزی برای گسترش الهامات الهی و نورانیت و روح عرفانی برای مردم اهل بصیرت و معرفت خواهد بود.
۶۸/۴/۲۹

■ یاد و نام امام بزرگوارمان کاخ قدرت‌های طاغوتی و نیز دل آن‌ها را می‌لرزاند زیرا او خادم به اسلام و مسلمین بود که با مجاهدت خود و ملتش به اسلام و مسلمین عظمت بخشید
۶۸/۷/۲۶

■ بزرگداشت امام(ره) برای ما، جنبه اعتقادی، ایمانی، انقلابی، عاطفی و ملی دارد.
۶۹/۳/۲

■ امام بزرگوار ما به اسلام و مسؤولان و مسلمین قوت قلب و عزت بخشید.
۷۰/۳/۱۶

■ امام بزرگوار ما با این انقلاب، مسلمانان را نشاط بخشید، اسلام را زنده کرد.
۷۰/۳/۱۶

امام خمینی(ره)؛ سیاست‌مدار یا حقیقت‌مدار؟

احمدی‌نژاد در این یادداشت باورها و نگاه خود به امام راحل را به‌صورت روشن تبیین کرده است. متن این یادداشت بدین شرح است:
بسمه تعالی

در عصر امام خمینی(ره)، لیاقت آن را یافتیم که به چشم خود، دو فرهنگ سیاسی متفاوت را به موازات یکدیگر، تجربه و مقایسه کنیم. در یکسو، «سیاست‌مداران» بوده و خواهند بود که تنها بر مدار سیاست و قدرت و چرتکه اندازیهای عادی و مادی، تحلیل می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. آنان هیچ‌وقت و هیچ کجا، دست خدا و مدیریت الهی را نمی‌بینند و هرگز، حتی هاله‌ای از نور عنایت خدا را که در عصر خمینی عزیز بر این ملت باریدن گرفت، مشاهده نمی‌کنند. اصطلاحاً مذهبی‌اند امانه اهداف و نه طرز محاسبات سیاسیشان، با اهداف و با طرز محاسبات مادیون عالم، تفاوتی ندارد. منکر تدبیر الهی و دست غیب خدا در عرصه انقلابند و درست مثل ماتریالیست‌های عالم، حضور خدا و حجت خدا را در تحولات عالم و سیر تاریخ بشر انکار می‌کنند ولی کاش فقط انکار می‌کردند، به سخره می‌گیرند و نیشخند می‌زنند. اما خط دوم، خط خمینی است که نه «سیاست‌مدار»، بلکه «حقیقت‌مدار» بود. او سیاست راهم از منظر معنوی می‌دید، دست خدا را بالاتر از همه دست‌ها به وضوح می‌دید، در هیچ مرحله‌ای از مراحل مبارزه، ماده را مستقل از معنی ندید و هرگز تن به محاسبات صرفاً مادی نداد و هرچه می‌شد و می‌کرد به خدا و عالم بالا نسبت می‌داد. انقلاب را کار خدا می‌خواند، جمله‌های او با خدا آغاز می‌شد، می‌گفت قلب مردم را خدا منقلب کرد، حرشهیر را خدا آزاد کرد، ابرقدرت‌ها به اذن خدا نابود خواهند شد، فتوحات رزمندگان را فتح الهی می‌خواند زیرا فتح به‌دست اوست «و ما رمیت اذ رمیت و لکن ا... رمی». در معجزه طبس که طوفان شن، جنگنده‌های مهاجم آمریکایی را نابود کرد، و دقیقاً آنگاه که دوست و دشمن، مشغول تفسیرهای صرفاً سیاسی و نظامی از ماجرا بودند او صریحاً اعلام کرد که آن شن‌ها مأمور خدا بودند. او تحول ملت ایران را تحولی الهی می‌دانست و می‌گفت «این یک امر غیر عادی است که حاصل شده» و «از اول انقلاب و پس از پیروزی تاکنون هرچه دیدیم معجزات بوده است». او می‌گفت «جنود غیبی همان‌طور که در صدر اسلام بود همان تاییدات غیبی ملایکه الهی امروز هم با ماست» و «بدون توجه خاص حضرت بقیه‌ا... (عج) کاری نمی‌توانیم بکنیم». او همه جا جنود خداوند را می‌دید و از همه چیز، تفسیری الهی و ماورا مادی داشت بی‌آنکه سلسله عوامل ظاهری و طبیعی را انکار کند. همه جا نام مبارک ولی خدا، حضرت صاحب الامر (عج) را به عنوان صاحب اصلی انقلاب و آنکه این انقلاب را باید تحویل او بدهیم برزبان می‌آورد، پیروزی‌های جبهه را به نام آن حضرت، به ثبت می‌رساند و پیشرفت انقلاب و اقبال دل‌ها به این نهضت را محصول عنایت ناجی بشریت و برپا کننده عدل جهانی می‌نامید و انقلاب خود را مقدمه انقلاب جهانی ایشان می‌دانست. او همه چیز را تحت عنایت الهی و نظارت حجت خدا می‌دید و همان گونه که آن روز، برخی گروه‌های سیاسی، این طرز تعبیر را مصداق ارتجاع و خرافه می‌نامیدند امروز نیز کسانی، دیگر حتی هاله‌ای از نور هم نمی‌بینند، خداوند را از محاسبات سیاسی خود، کنار گذاشته‌اند و می‌خواهند خود صاحب و مالک انقلاب باشند حال آنکه در منطق خمینی بزرگ، صاحب اصلی انقلاب، حجت خدا و توده‌های مردم بودند. اینان، همان سیاست‌مداران و قدرتمدارانی هستند که اگر مذهبی هم باشند، جهان‌بینی مذهبی ندارند و تنها از ادبیات مذهبی، استفاده می‌کنند، و الا اگر همچون خمینی کبیر، توحید افعالی را پذیرفته بودند، ولایت تکوینی حضرت ولی عصر(عج) به اذن خدا را مورد تمسخر، قرار نمی‌دادند و هاله‌های نور را نه فقط در گوشه‌ای از عالم انکار نمی‌کردند، بلکه عالم را سراسر غرق در نور عنایت و تدبیر خداوند می‌دیدند. امام عارفان به ما آموخت که سیاست را و همه چیز را از چنین چشم‌اندازی بنگریم و همه جا و در همه چیز و در همه پیروزی‌ها، دست خدا و عنایت حجت خدا را ببینیم و هیچ حسنه‌ای را به خود، و هیچ سیئه‌ای را به خدا نسبت ندهیم و پیروزی‌ها را اتفاقی ندانیم و نگوییم فلان حادثه، اتفاق افتاد، و هیچ پیروزی را نیز مغرورانه به خود نسبت ندهیم. در منطق امام خمینی(ره)، نباید از محاسبات مادی ذره‌ای غافل شویم، اما هرگز نباید در محاسبات مادی نیز غرق شد. او حتی در فرو ریختن ۱۴ کنگره کاخ کسری هنگام تولد پیامبر اعظم(ص) علامتی معنوی بر وقوع انقلاب اسلامی ایران در قرن چهاردهم هجری می‌دید، در هر حادثه ظاهراً طبیعی، یک زمینه ماوراءطبیعی و دست خدا را می‌دید، و همه پیشرفت‌ها و پیروزی‌هایی را که نابینایان خودبین به خود منتسب می‌کردند، او که نایب مهدی (عج) بود به مهدی (عج) متعلق می‌دانست و همه را از برکت او می‌دید. من امروز نیز فقط و فقط، تحلیل‌های سیاسی از نوع امام(ره) را موفق می‌دانم و حال که تبدیل جنبش ظاهراً کوچک پانزده خرداد به یک نهضت عظیم و بین‌المللی از شرق آسیا تا قلب اروپا و از آسیای میانه تا عمق آفریقا را می‌بینیم، می‌توانیم آزمون موفق این چشم‌انداز را حتی با چشم مادی هم ببینیم و هرچه هم قسی‌القلب باشیم، نمی‌توانیم هاله‌های نور خدا را منکر شویم. هر کس نمی‌بیند به کوری خود اعتراف کرده است. وقتی به چشم دیدیم که «پیشرفت‌های عظیم علمی و اقتصادی» دهه سوم انقلاب، چگونه نتیجه عملی تحریم‌ها و محاصره اقتصادی دهه اول و دوم است، در حالی که نتیجه عادی و طبیعی تحریم‌ها باید به ضعیف شدن ما منجر می‌شد ولی برعکس صدا بر قویترمان کرده است، چگونه می‌توانیم هاله‌ها و امواج نور الهی را نبینیم؟! اگر شن‌های طبس مأمور خدا بودند و اگر صاحب اصلی انقلاب دلواپس این انقلاب است، پس چگونه است که کسانی از دعوی مدیریت الهی عالم، تعجب کرده و آن را مورد تمسخر قرار می‌دهند؟! وقتی محاصره نظامی و حضور اشغالگران در شرق و غرب و شمال و جنوب که طبق محاسبات مادی، باید به ترس و ضعف و تسلیم یا حتی فروپاشی جمهوری اسلامی می‌انجامید، پس از ۵ سال، کاملاً نتیجه عکس داده و جمهوری اسلامی، قدرت اول منطقه و یکی از چند قدرت تأثیرگذار در سطح جهان شده است، آیا این چیزی جز مدیریت الهی است؟ و آیا مصداق بارز عنایت حجت خدا که متولی همه امور از طرف خدا و واسطه فیض و هدایت اوست، نیست؟ آیا این همان دست غیبی و ولایت باطنی حضرت صاحب الامر (عج) نیست که امام(ره) بارها می‌گفت که در حوادث مختلف، می‌بینیم که گره‌های فروبسته چگونه به طرز غیرطبیعی و ماورای طبیعی، گشوده می‌شود در حالی که هیچ کاری از ما بر نمی‌آمده و گاه ما حتی از اصل خطری که ما را تهدید می‌کرده است، بی‌اطلاع بوده‌ایم و مقام معظم رهبری نیز چندین بار این مضمون را از امام عزیز نقل کرده‌اند. اگر عده‌ای فریبکارانه تلاش می‌کنند این حقیقت را به طرز فکر باطل حجتیه نسبت دهند، تحریف بی‌ثمری است. تفکر حجتیه‌ای، از مفهوم «مهدویت و انتظار»، فرهنگ تسلیم و سازش و تفکیک دین از سیاست را نتیجه می‌گرفت و به «نفی تکلیف» می‌رسید. حال آن که امام(ره) که همواره خود و نهضت را زیر سایه حضرت می‌دید، فرهنگ انتظار و مهدویت را پشتوانه مبارزه و جهاد و سیاست معنوی و انقلاب الهی خود می‌خواند و به «اثبات تکلیف» می‌رسید و این تفاوت بسیار مهمی است. امام(ره) که از ولایت تکوینی «انسان کامل» و «ولی خدا» و از مدیریت و هدایت حضرت همچون خورشیدی که از پس ابر، همچنان نور وانرژی می‌بخشد سخن می‌گفت و هرگز نه تعیین وقت برای ظهور کرد و نه مشکلات و کمبودها را به پای حضرت نوشت، آیا او ادعای الوهیت یا ربوبیت برای حضرت و یا برای خود کرد؟ آیا اگر صاحب اصلی انقلاب را حضرت ولی عصر می‌دانست، قصد خرافه پردازی یا عوام‌فریبی و سلب تکلیف از خود را داشت؟! برای من جالب و در عین حال مایه تأسف بود که چگونه یادآوری همین عقاید واضح شیعی و دیدگاه صریح امام(ره) با وسعتی عجیب و تحریف‌هایی ناجوانمردانه از چپ و راست مورد حمله قرار گرفت! نوشتند که احمدی‌نژاد در هیأت دولت موقع نهار، یک ظرف غذا هم برای حضرت روی میز می‌چیند! احمدی‌نژاد در دوره شهرداری، مسیر حرکت کاروان حضرت از مکه به تهران را پیشاپیش آسفالت کرده است! احمدی‌نژاد مدعی ارتباط با حضرت شده و گران شدن برنج را، محصول مدیریت حضرت و تصمیم ایشان دانسته است!، این در حالی بود که من چند بار گفته‌ام که برخی گرانی‌ها، و نه همه آن‌ها، اتفاقاً محصول مدیریت پنهان و ائتلاف مافیایی در بازار با برخی سیاست‌مداران از همان نوعی که گفتم و کار کسانی است که پس از ۳ سال، هنوز هم رأی مردم را فصل‌الخطاب ندانسته و به اراده مردم در انتخابات ریاست جمهوری دهم، تسلیم نشده‌اند و از مردم و دولت، یک‌جا انتقام می‌گیرند. متأسفانه آنان که مسؤول رسیدگی و اجرای عدالت‌اند نیز، اصل وجود مفسدین اقتصادی را منکر می‌شوند و گویا پیام ۸ ماده‌ای رهبری را هم شعاری و عوام‌فریبی می‌دانند! مشاهده نور خدا در عالم سیاست، و در فتوحاتی که پیاپی در لبنان فلسطین تا عراق و ایران و حتی در نیویورک، به نفع ارزش‌های انقلابی و اسلامی واقع می‌شود، برای آنان که در دامان فرهنگ توحیدی امام خمینی(ره) پرورش یافته‌اند و برای نسل انقلاب چیز عجیبی نیست بلکه ندیدن این هاله‌های نور است که عجیب و عیب است. آری، حجت خدا، زنده و حاضر است و ادامه حیات در روی زمین، به اذن خدا، پیوسته به حضور حجت الهی در زمین است و حضرت، این انقلاب را وسیعه و مسلمین را و بلکه مستضعفین عالم را به حال خود، رها نکرده و نخواهد کرد. آری هرگز خداوند خود را کنار نکشیده و امور عالم و آدم را به کسی جز خود واگذار و تفویض نکرده و این تفکر غالیان است اما خداوند از طریق ولی و حجت خود، عالم را مدیریت و تدبیر می‌کند و مفهوم ولایت تکوینی اولیای الهی، همین است. ما مفتخریم که سیاست‌مدار به آن معنی که در ابتدا گفته شد نیستیم و ان شا... هرگز هم نخواهیم شد. ما باید هم‌چون امام خمینی (ره) باشیم که خود را در محضر خدا و عامل اجرایی دین خدا و در خدمت حجت خدا می‌دید و نه برای خود، استقلال و منیتی قایل بود و نه برای دشمنان و ابرقدرتها، کم‌ترین حیثیت و قدرتی می‌دید. و لذا نه می‌ترسید، نه مأیوس می‌شد و نه هرگز دچار غرور می‌گشت. سالگرد ۱۴ و ۱۵ خرداد، فرصتی برای بازگشت به جهانبینی توحیدی و هاله معنوی خمینی بزرگ است و ملت ما هم انتظار فرج از نیمه خرداد می‌کشد. این دولت کوشیده است با جهان بینی امام راحلمان، به صحنه بنگرد و تفکر معنوی آن مجاهد عارف را خرافه نمی‌داند. سراسر زیارت جامعه کبیره که امام(ره) آن را ترک نمی‌کرد حاوی همین جهان بینی توحیدی و شیعی است و در عین حال این دولت هرگز ضعف‌ها و خطاهای احتمالی خود را در عرصه سیاست یا اقتصاد به پای امام(ره) و والاتر از او حضرت ولی عصر (عج) ننوشته و امروز که با افتخار و کمال قدرت، سال چهارم خود را نیز از مبدأ ۱۵ خرداد با نشاطی همچون سال اول و روز اول به قصد تحولات بزرگ در عرصه‌های مهم مدیریت و اقتصاد کشور آغاز می‌کند، شجاعانه مسؤولیت آن را می‌پذیرد و صادقانه، بر وجود موانع ساختاری و سیاسی و مافیایی نیز تأکید می‌کند. اما به دور از هر نوع بهانه جویی و عافیت طلبی، اعلام می‌کند که تا آخرین ساعت و دقیقه این دولت، به وظیفه خود در برابر خدا و مردم، عمل می‌کنیم و با استفاده از نخبگان همفکر، موانع را به لطف خدا کنار می‌زنیم زیرا چنانچه پیشتر نیز گفته‌ام، بدون اصلاح بزرگ در سامانه اقتصادی که ارکان آن عبارتند از «نظام مالیاتی»، «کمرک و واردات و صادرات»، «نظام تأمین اجتماعی»، «نظام پولی و بانکی»، «نظام یارانه‌ها»، و «سیستم توزیع کالا و تجارت داخلی»، نه توسعه می‌یابد نه توسعه خواهند رسید و نه عدالتخواهان به عدالت، نزدیک خواهند شد و این دولت که در پی «توسعه عدالت محور» است با همه قدرت و پشتیبانی ملت و حمایت رهبری و همکاری مجلس به فضل خدا در این سه سال، کلید تحولات بزرگ علمی و حساب شده در این عرصه‌ها را خواهد زد. اگر دهه چهارم انقلاب، دهه «پیشرفت و عدالت» است، بدون تغییرات بزرگ در این چند عرصه، هیچ کاری نمی‌توان کرد. هنر بزرگ، آن است که به خداوند، اعتماد کنیم و «مردم» را باور کنیم، هاله‌های نور را ببینیم و به عنایت حضرت (عج)، دلگرم باشیم، و راه خمینی عزیز را به زبان، که با ذهن و قلب و دست، ادامه دهیم، نسخه‌های ترجمه‌ای را تبدیل به متن مقدس نکنیم و به عقل و تجربه و اندیشه ایرانی و جوانان دانشگاهی خود نیز احترام بگذاریم زیرا چنانکه امام عاشقان و مقتدای عاقلان گفت: «ما می‌توانیم». ملت ما توانست و به فضل الهی بیش از این‌ها نیز خواهد توانست.

منبع: http://www.ahmadinejad.ir

جایگاه رفیع «آزادی» در تفکرات امام خمینی(ره)

باید اذعان نمود که جایگاه و منزلت و نقشی که اسلام برای آزادی قایل شده است در هیچ عصر و توسط هیچ مکتب فکری و فلسفی تبیین نگردیده است. نگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به آزادی ـ در تمام ابعاد و جنبه‌ها و جلوه‌های آن ـ بسیار جامع و کامل و ژرف و عمیق است.» طبیعی است که «آزاداندیشی» با تمام ارجمندی و ارزشمندی ویژه‌ای که دارد خود به خود و یکباره به وجود نمی‌آید بلکه باید برای تحقق دقیق و همه‌جانبه آن تلاش نمود و بدیهی است که این تلاش و کوشایی پیش‌تر و بیش‌تر متوجه نظام حکومتی است و به مراقبت‌ها و تیزهوشی‌ها و فعالیت‌های مفید و پیگیر دولتمردان نیاز دارد. در کنار زمامداران و کارگزاران حوزه‌های علمیه و فقها و علمای دین برای تحقق این مهم مسؤولیت دارند. و در مرحله و مرتبه سوم پژوهندگان و نویسندگان در سطح رسانه‌های گروهی به ویژه «مطبوعات» باید متعهد و کوشا گردند تا در نهایت درخت آزاداندیشی تنومند گردد و شاخه و برگ‌های انبوه دهد و میوه‌های الوان و شیرین به بار آورد. برای تسریع و تسهیل در این امر مهم و حیاتی که از نیازهای بسیار محوری و مبنایی جامعه و کشور ما می‌باشد بهره‌گیری از اندیشه‌های زلال و ژرف و راهگشای حضرت امام خمینی(ره) بسیار ضروری است حضرت امام خمینی(ره) برای نمایاندن جایگاه رفیع آزادی و سپس مشخص کردن نقش زیربنایی آزاداندیشی تعابیری بسیار تأمل‌برانگیز دارند. حضرت امام خمینی(ره) اعلام می‌کند: «آزادی یک امانت الهی است که خداوند نصیب ما کرد.»

این تعبیر به وضوح و صراحت نشان می‌دهد که نعمت بزرگ آزادی با تمام آثار ارزشمند آن به‌صورت یک «امانت» از جانب حضرت پروردگار در اختیار بشر قرار داده شده است و باید به شدت از آن حفاظت نماید و در این امانت الهی خیانت نورزد. دقت در لفظ و تعبیر امانت بودن آزادی جایگاه رفیع آن را نمایان و آشکار می‌نماید.

حضرت امام خمینی(ره) با تعبیر و عبارت دیگری جایگاه آزادی در فرهنگ و تفکر اسلامی را این‌گونه می‌نمایاند: «یکی از بنیادهای اسلام آزادی است.»

تعبیر بنیاد یعنی رکن و مبنا و پایه برای آزادی به گونه‌ای دیگر جایگاه این نعمت و موهبت بزرگ را نمایان می‌سازد زیرا آنچه که در ردیف ارکان و مبانی و بنیادهای تعالیم اسلام درآید به‌طور طبیعی آشکارکننده رفعت و منزلت خاص و ویژه آن می‌باشد. تعبیر و عبارت حایز اهمیت دیگر درباره نشان دادن جایگاه بلند آزادی در اندیشه حضرت امام خمینی(ره) چنین است: «انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی از او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست.

حضرت امام خمینی(ره) با تعبیر و عبارت دیگری جایگاه آزادی در فرهنگ و تفکر اسلامی را این‌گونه می‌نمایاند: «یکی از بنیادهای اسلام آزادی است»

می‌بینیم که در نگاه ژرف امام خمینی(ره) آزادی از چنان رفعت جایگاهی برخوردار است که سلب آن باعث انحطاط و سقوط بشریت می‌گردد زیرا انسان‌ها در تحول و دگرگونی و رشد و بالندگی و پیشرفتی که نایل آیند در پرتو آزادی در ابعاد و جلوه‌های مختلف می‌باشد و انسان و جامعه و کشور فاقد آزادی به مفهوم صحیح و واقعی آن محکوم به رکود و عقب ماندگی و اضمحلال است.

حضرت امام خمینی(ره) درباره اهمیت و ضرورت آزادی تفکر و اندیشه چنین نظر می‌دهند: «آزادی فکر این است که انسان در فکر و روش آزاد و بدون این که متمایل به یک طرف باشد فکر بکند. در مسایل علمی هم همین‌طور است. مسایل علمی را اگر چنانچه انسان آزاد فکر کند یک طور برداشت می‌کند اگر چنانچه ذهنش متوجه باشد انگل باشد نسبت به این قضیه یک جور دیگر فکر می‌کند یک جور دیگر برداشت می‌کند.»

در این رهنمود به دو جنبه از آزاداندیشی اشاره می‌شود: آزاداندیشی در مسایل سیاسی و جناحی و آزاداندیشی در مسایل علمی. هم‌چنین در نقطه مقابل تعصب و تصلب فکری و طفیلی گری و وابستگی هم در مسایل سیاسی و هم در مسایل علمی آفت زا و زیان‌بار معرفی می‌گردد. در نگاه حضرت امام خمینی(ره) افرادی که در آزادی در اندیشه حضرت امام خمینی(ره) چنین است: «انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی از او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست.

می‌بینیم که در نگاه ژرف امام خمینی(ره) آزادی از چنان رفعت جایگاهی برخوردار است که سلب آن باعث انحطاط و سقوط بشریت می‌گردد زیرا انسان‌ها در تحول و دگرگونی و رشد و بالندگی و پیشرفتی که نایل آیند در پرتو آزادی در ابعاد و جلوه‌های مختلف می‌باشد و انسان و جامعه و کشور فاقد آزادی به مفهوم صحیح و واقعی آن محکوم به رکود و عقب ماندگی و اضمحلال است.

حضرت امام خمینی(ره) درباره اهمیت و ضرورت آزادی تفکر و اندیشه چنین نظر می‌دهند: «آزادی فکر این است که انسان در فکر و روش آزاد و بدون این که

گوهر کلام

عاشورا و امام حسین(ع) در کلام امام خمینی(ره)

دستاوردهای عاشورا

اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر(ص) نبود، بعثت و زحمات جان فرسای نبی اکرم صلی... علیه وا... وسلم را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند. ابوسفیانیان می‌خواستند قلم سرخ بر کتاب وحی بکشند و یزید، یادگار عصر تاریک بت‌پرستی، به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با شعار صریح «لا خبرٌ جاء ولا وحی نَزَل» بنیاد حکومت الهی را برکند. اگر عاشورا نبود، نمی‌دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می‌آمد، لکن اراده خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی بخش و قرآن هدایت را جاوید نگه دارد و حسین‌بن علی علیه‌السلام، این عصاره نبوّت و یادگار ولایت، را برانگیزد تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیده خویش و امّت عظیم پیامبر اکرم(ص) نماید تا در امتداد تاریخ، خون پاک او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و ره‌آوردهای آن پاسداری نماید.

انگیزه قیام امام حسین(ع)

سیدالشهدا(ع) از همان روز اوّل که قیام کردند برای این امر، انگیزه‌شان اقامه عدل بود، فرمودند که: می‌بینید که معروف عمل بهش نمی‌شود و منکر بهش عمل می‌شود. انگیزه این است که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد. انحرافات همه از منکرات است. جز خط مستقیم توحید هرچه هست منکرات است. این‌ها باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا(ع) هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت. قیامش، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود مِن‌جمله قضیه حکومت جور. حکومت جور باید از بین برود.

آموزش‌های امام حسین(ع)

حضرت سیدالشهدا(ع) از کار خودش به ما تعلیم داد که در میدان، وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آن‌هایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه بکنند و باید آن‌هایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند کیفیت مبارزه را کیفیت این‌که مبارزه بین یک جمعیت کم یا جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت این‌که قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد با یک عده معدود باید چطور باشد این‌ها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا(ع) به ملّت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزند عالی مقدار او هم فهماند که بعد از این‌که آن مصیبت واقع شد باید چه کرد.

جلوه‌هایی از انس امام خمینی(ره) با قرآن

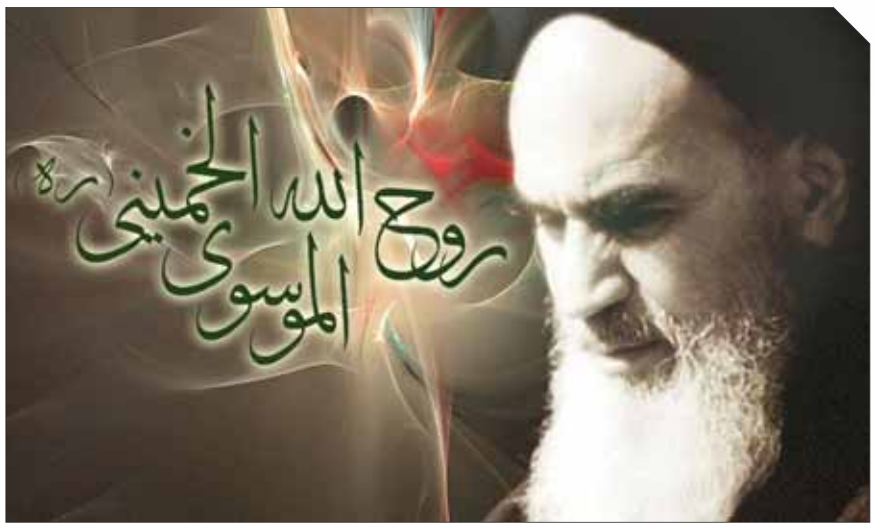

گذشته از اهل بیت(ع) در میان علما، بزرگان و رهروان حقیقی ائمه اطهار(ع) نمونه‌های فراوانی از عاملان به قرآن کریم یافت می‌شود که با بهره‌مندی از آیات خدا، قله‌های کمال را فتح نموده و جان خویش را از سرچشمه زلال سیراب نموده‌اند. بدون تردید هیچ عصری از وجود چنین افرادی خالی نبوده و آنان را می‌توان بهترین الگوهای فکری و عملی برای پیوند با قرآن دانست. ما نیز در روزگار خود از وجود چنین انسان‌هایی بی‌بهره نبوده‌ایم. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران از جمله کسانی است که با ارتباط عمل گرایانه خویش با قرآن همچون ستاره‌ای در آسمان فضیلت و انسانیت می‌درخشد. در نوشتار زیر گوشه‌ای از توجهات ویژه امام راحل به قرآن به‌طور گذرا مورد بررسی قرار گرفته که با هم آن را از نظر می‌گذرانیم:

***

■ انقلاب در پرتو قرآن

او که نامش قرین انقلاب است و در سراسر جهان با انقلاب اسلامی ایران شناخته می‌شود، نهضت خود را بر پایه قرآن بنا نهاد و اهداف، آرزوها و ایده‌هایش را از قرآن الهام گرفت و همواره تلاش کرد حکومت و جامعه را براساس اصول و مبانی قرآن اداره کند. امام(ره) هدف از نهضت و انقلاب را چنین توصیف می‌کند: «می‌دانید که نهضت و انقلاب، برای پیاده کردن احکام اسلام است. ما مقصد دیگری غیر از این نداشتیم. آخر شما که نمی‌خواستید قدرت کسب کنید، بلکه می‌خواستید قرآن را احیا کنید.» بنیان‌گذار جمهوری اسلامی علاوه بر اهتمام ویژه نسبت به اجرای دستورات قرآنی در حوزه‌های سیاسی -اجتماعی بر انس و پیوندهای قوی با قرآن نیز توجه شایسته‌ای داشت و هم‌چنین به تأسی از ائمه‌اطهار(ع)، با قرآن پیوند و انسی دیرینه داشت و در هر فرصتی به تلاوت قرآن می‌پرداخت. عشق امام(ره) به قرآن به گونه‌ای بود که جلوه‌های زیبایی تجلی آیات الهی در زندگی ایشان را به روشنی می‌توان مشاهده کرد.

■ استفاده از فرصت‌ها

امام(ره) برای کارهای روزانه خود جدولی تهیه کرده بودند که در آن، کارهایی که باید در همه ساعات شبانه‌روز انجام شود، درج شده بود. با توجه به برنامه‌ریزی ایشان در زندگی می‌توان گفت که در تمام شبانه‌روز حتی یک دقیقه وقت تلف شده و بدون برنامه نداشتند. هنگامی که در پاریس بود، وقتی خبرنگارها برای مصاحبه به محضرش می‌آمدند، معمولاً حدود ۱۰ دقیقه، یا یک ربع برای آماده کردن دوربین‌هایشان معطل می‌شدند، امام در همین فرصت به تلاوت قرآن مشغول می‌شد. بعضی از حاضران می‌گفتند: خود را برای مصاحبه آماده کنید (یعنی فعلاً قرآن نخوانید!) در پاسخ می‌فرمود: «آیا در این چند دقیقه، عمرم و وقتم ضایع شود؟» یکی از نزدیکان امام(ره) می‌گوید: «امام(ره) در روز چند نوبت قرآن می‌خواند؛ بعد از نماز صبح، قبل از نماز ظهر و عصر، قبل از نماز مغرب و عشا و یا در هر فرصت دیگر، به این عمل مستحب پای‌بند بود. ما بارها در طول روز که خدمت ایشان می‌رسیدیم، امام(ره) را مشغول خواندن قرآن می‌دیدیم.»

او که نامش قرین انقلاب است و در سراسر جهان با انقلاب اسلامی ایران شناخته می‌شود، نهضت خود را بر پایه قرآن بنا نهاد و اهداف، آرزوها و ایده‌هایش را از قرآن الهام گرفت

■ من چشمم را برای خواندن قرآن می‌خواهم

در زمانی که امام(ره) در نجف بود، از ناحیه چشم دچار ناراحتی شده بود. هنگامی که پزشک چشم، ایشان را معاینه کرد، توصیه نمود که چند روزی قرآن نخوانند و استراحت نمایند. امام لبخند زدند و فرمودند: «دکتر! من چشمم را برای خواندن قرآن می‌خواهم! چه فایده‌ای دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم؟ شما کاری بکنید که من بتوانم قرآن بخوانم.»

■ سفارش به تلاوت قرآن

امام راحل افزون بر آن که خود همواره با قرآن مأنوس بود، تلاوت آن را پیوسته با درک و فهم به دیگران نیز توصیه می‌کرد و حتی انس ظاهری با قرآن را نیز، اثرگذار و مفید می‌دانست؛ چنان که در نامه‌ای خطاب فرزندش، حاج سیداحمد نوشته است: «فرزندم! با قرآن، این کتاب معرفت آشنا شو، اگرچه با قرائت آن، و راهی از آن به سوی محبوب بازکن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس، و نامه محبوب، محبوب است اگر چه عاشق و محب، مفاد آن را ندانند و با این انگیزه، حب محبوب، که کمال مطلوب است، به سراغت‌اید و شاید دست گیرد.»

■ احترام به قرآن

قرآن کتاب بزرگی است که عظمت آن از عظمت خداوند نشأت گرفته است؛ زیرا قرآن تجلی آشکار پروردگار است. امام علی(ع) می‌فرماید: «فتجلی سبحانه لهم فی کتابه من غیر ان یکونوا رأوه؛ خدای سبحان در کتابش خود را آشکار کرد، بی‌آنکه او را ببینند.» قرآن کریم به مقتضای آسمانی و الهی بودن، شایسته احترام و تکریم است. امام(ره) ضمن بزرگ شمردن قرآن همواره آن را در ظاهر و باطن حفظ می‌کرد؛ «گاهی به دلایلی قرآن‌هایی را در کیف دستی به محضر امام(ره) می‌بردیم. در دفعات اولیه اتفاق افتاد که بدون توجه، قرآن را نیز همراه با چیزهای دیگر از کیف بیرون آورده، روی زمین می‌گذاشتیم. امام(ره) که مراقب بودند، فرمودند: «قرآن را روی زمین نگذارید!» و بلافاصله دستشان را جلو آوردند، آن را گرفتند و روی میز گذاشتند.»

آن‌چه بیان شد تنها بخش اندکی از سیره قرآنی امام راحل(ره) بود و بررسی تفصیلی این موضوع مجال و فرصت بیش‌تری می‌طلبد که به همین مقدار بسنده شد.

سلامت بخش - شهردار وحیدیه

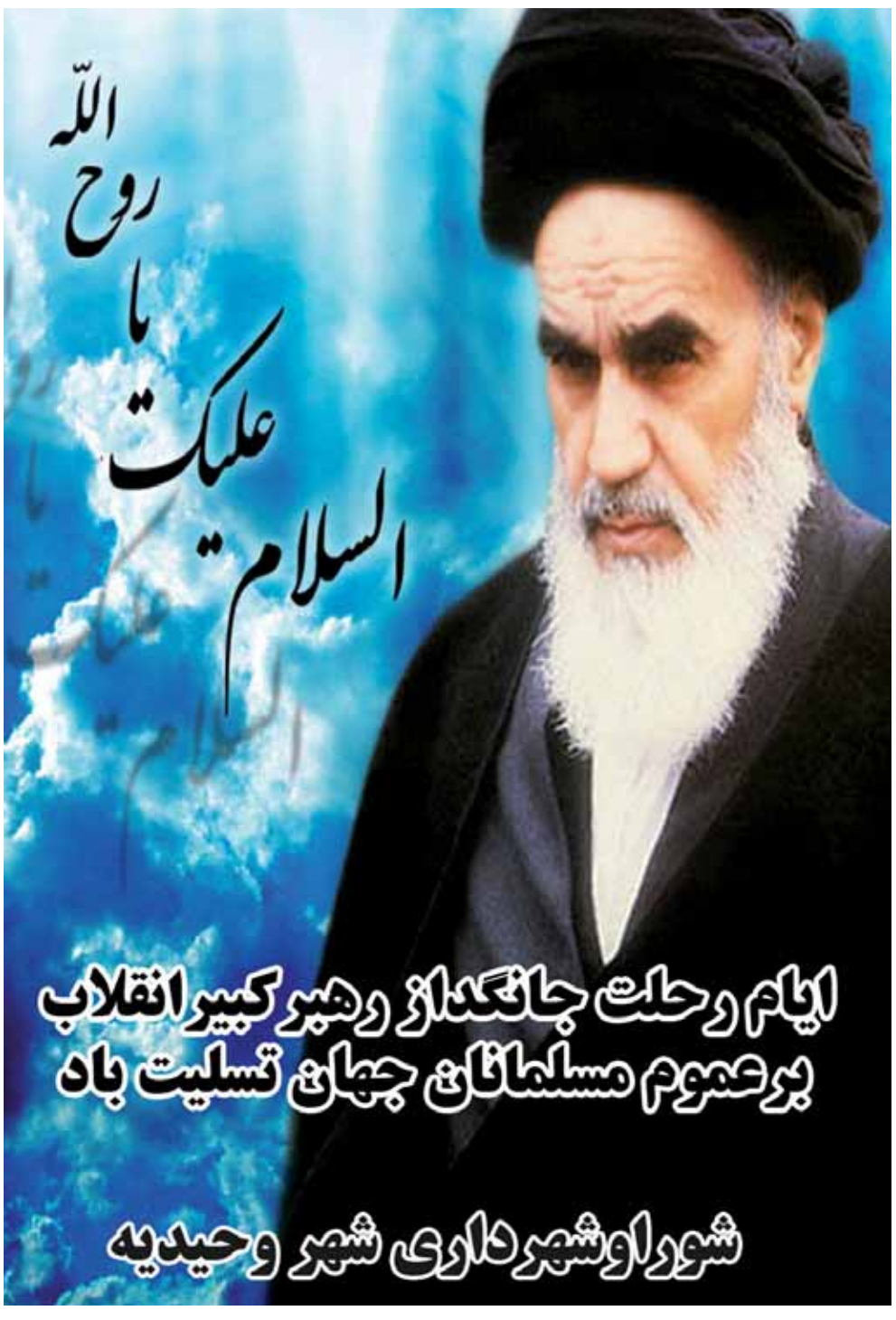

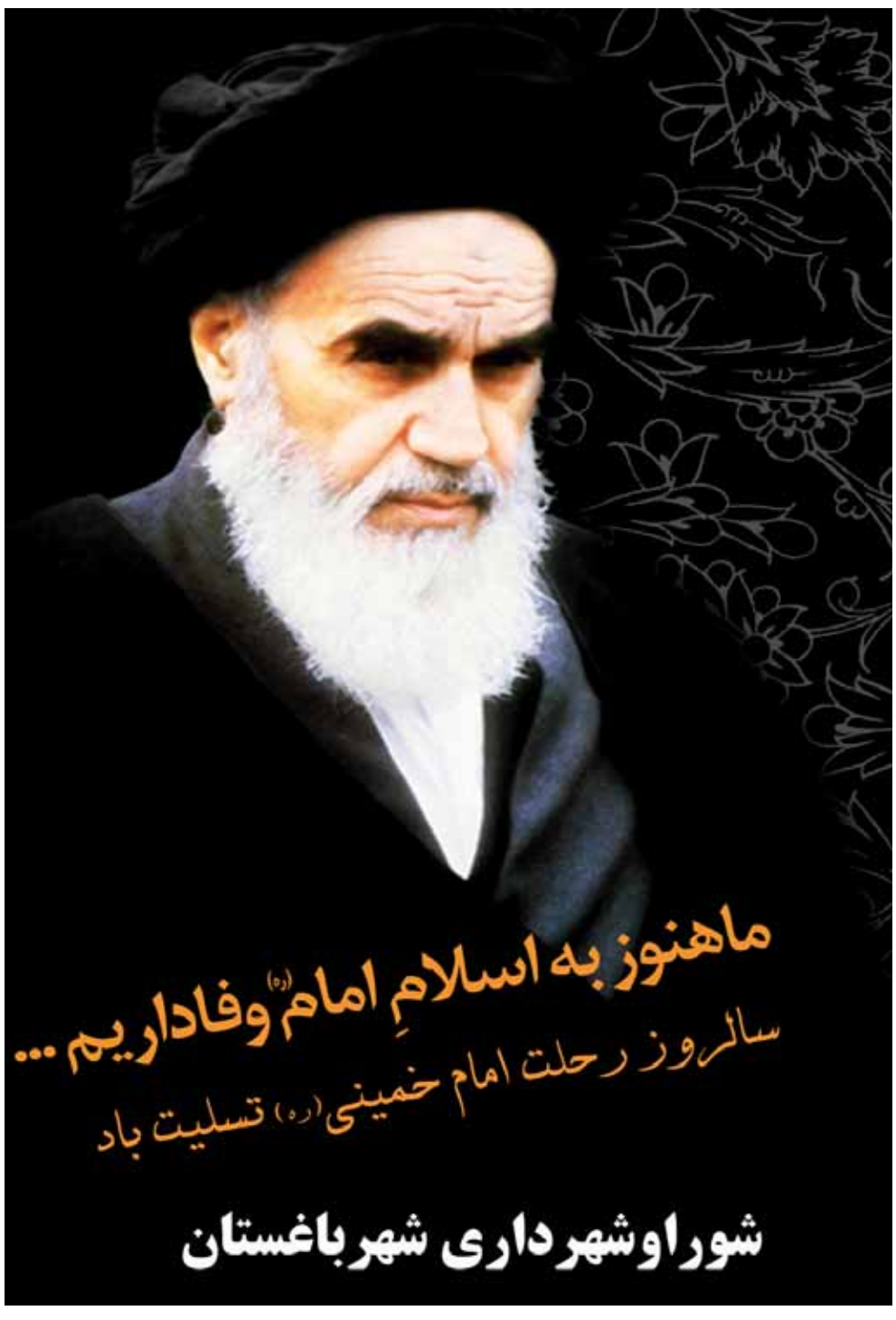

ابعاد شخصیتی امام خمینی (ره)

یادداشت

احمد ربیع زاده

دقت فطری امام خمینی(ره) در شناخت دشمن

ابعاد وجودی حضرت امام(ره)، سرشار از برجستگی‌ها و خصایص ممتازی است که هر یک به نوبه خود و به تنهایی کافی است تا از امام(ره) چهره‌ای استثنایی و سرآمد معرفی کند. یکی از این ویژگی‌ها، فراست و دقت فطری امام(ره) در شناخت دشمن و حربه‌ها و راهبردهای اوست. در پرتو این ویژگی است که امام(ره) دشمن اصلی و خطر عمده را در مراحل مختلف حیات سیاسی خویش باز شناخت و متناسب با آن به مقابله با توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن همت گماشت و در دام مشغولیت با مسایل حاشیه‌ای و فرعی و فراموشی دشمن اصلی گرفتار نیامد و متقابلا تکیه‌گاه‌ها و نقاط قابل اتکا و اعتماد و مراکز و منابع تأمین نیرو و امکانات جبهه اسلام و انقلاب را در مقابله با دشمن به‌خوبی شناخت و از تمامی آن امکانات به‌درستی سود جست. درک اهمیت مسأله فرهنگ در معنای عام و گسترده آن و جایگاه عظیم جبهه فرهنگی در صحنه مبارزه همه‌جانبه حق و باطل به‌ویژه در شرایط امروزین جهان از مصادیق بارز این تیزبینی و دقت نظر ایشان است. از همین زاویه نگرش است که اصولا امام مسأله دانشگاه‌ها را حتی در بحرانی‌ترین شرایط جنگ تحمیلی، از اهم مسایل کشور معرفی می‌نمایند و در تاریخ ۶۴/۹/۱۹ خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند: «ما جنگ داریم، جنگ چیز مهمی نیست، حل می‌شود... اما مسأله دانشگاه یک مسأله فوق‌العاده است.» در همین راستا، امام (ره) نسبت‌به راه‌های نفوذ و شیوه‌ها و مکانیسم‌های تسلط دشمن بر دانشگاه‌ها که نهایتا به سلطه همه‌جانبه بر کشور می‌انجامد، حساسیت و تیزبینی ویژه‌ای داشتند و مسأله اعزام دانشجو به خارج را از این نقطه نظر مورد مداقه قرار دادند. ایشان در فرصت‌ها و موارد متعدد این نکته را یادآور می‌شوند که خارجی‌ها و بیگانگان بنا ندارند جوانان و فرزندان ملت‌های مسلمان و جهان سوم را که برای تحصیل به آن‌ها رو می‌آورند با دست پر برگردانند و به همین لحاظ نوعا نسبت‌به اصل این سیاست با نوعی تردید نگریسته، تأکید بر مراکز داخلی و بسط و توسعه آن‌ها را به نحوی که ما را از خارج بی‌نیاز کند، مورد نظر داشته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

«جوان عزیز ما که سرمایه‌ها میهن هستند باید بدانند که رفتن به غرب و شرق برای آموختن علوم مختلف، آنان را از رسیدن به مقصود که استقلال و آزادی است‌باز می‌دارد و وابسته‌شان خواهد نمود.

باید به خود تلقین کنیم که در غرب هیچ خبری جز عقب نگه داشتن ما از قافله تمدن و تعالی نیست»

در خارج به جوانان ما درس اساسی نمی‌دهند... این طرز تفکر که غیر از خارج در جای دیگر نمی‌شود تحصیل کرد امری است‌باطل چراکه با این گونه تبلیغات می‌خواهند جوانان ما را به خارج بکشند و با تفکر خودشان به ایران برگردانند. در موارد معدودی نیز که با توجه به واقعیت‌ها و ضرورت‌ها، اساس اعزام دانشجو به خارج را نفی نفرموده‌اند، اصل نفی سلطه و بیگانه‌ستیزی و هوشیاری در قبال دریچه‌های سلطه جویان را در این مقوله دقیقاً مورد عنایت قرار داده، اعزام دانشجو به کشورها و مراکزی که قصد سلطه بر کشور ما را دارند منع نموده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

ما باید فکری بکنیم که جوان های ما در همین جا خوب تحصیل بکنند و برفرض احتیاجی به خارج رفتن باشد، به کشورهایی بروند که استعماری نباشد و طمع این‌که ما تحت‌سلطه آنان باشیم نداشته باشند. استفاده از علوم و گرفتن آن از دیگران مانعی ندارد ولی باید توجه داشت که از چایی علوم را بگیریم که نخواهند ما را منحرف کنند. صحت و دقت مواضع امام(ره) در این زمینه هنگامی روشن‌تر می‌شود که با مراجعه به اسناد لانه جاسوسی نقطه نظرات دشمن و انتظارات آمریکا، سمبل و سردمدار قدرت‌های استکباری و مصداق بارز قدرت‌هایی که قصد سلطه بر کشور ما را دارند باز یابیم. بررسی کلی این اسناد حاکی از آن است که «سابقه تحصیلات در آمریکا» یکی از کلیدی‌ترین اطلاعاتی است که از نظر تنظیم‌کنندگان این اسناد می‌تواند معرف علاقه و تمایل افراد ایرانی به سل

ضرورت مردمی بودن در نگاه امام خمینی (ره)

امام(ره) همواره بر این تأکید داشت که مردم عامل پیروزی نهضت بوده و عنصر مهم بقای نهضت نیز هستند. ایشان دراین‌باره می‌فرمایند: «ملّت بود که این نهضت را پیش برد، و ملّت است که باید از این به بعد نیز به پیش ببرد». در نگرش امام(ره) قدرت ملّت، بزرگ‌ترین قدرت شناخته‌شده است و پیروزی در قدرت همین ملّت ارزیابی می‌شود. وی حتی بر این باور است که ملّت می‌تواند راهنما و چراغ راه روشنفکران باشد. چنانچه می‌فرماید: امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آن را از خودباختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۳: ۲۱۲]. امام همیشه به مدیران جامعه اسلامی یادآوری می‌کردند که نظر مردم مهم است و باید نظر آنان جلب گردد. ایشان با تأکید بر این امر، می‌فرمایند: جلب نظر مردم از اموری است که لازم است پیغمبر اکرم(ص) جلب نظر مردم را می‌کرد، دنبال این بود که مردم را جلب کند دنبال این بود که مردم را توجه بدهد به حق [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۷: ۲۵۱]. اکنون که تا حدی با نظر امام در مورد مفهوم ملّت و جایگاه مردم و اهمیت آن‌ها آشنا شدیم، باید متذکر شویم که امام(ره) با داشتن چنین مفروضاتی از ملّت اسلامی، خود را خدمت چنین مردمی می‌شمرد و مردمی بودن مسؤولان و مدیران را ضمانتی برای تداوم حرکت و نهضت اسلامی به حساب می‌آورد. این مفروضات، امام(ره) را بر آن داشت که فرضیه مردمی بودن رهبر و مدیران را ارایه دهد و درک خدمتگزاری مدیران از سوی مردم را مهم‌ترین استراتژی در ثبات سیاسی و توسعه کشور تلقی نماید.

۱. حکومت و مدیریت بر قلوب ثمره مردم‌داری

یکی از روش‌های اثربخش در مدیریت امام خمینی(ره) تسخیر قلوب مردم بود. مدیریت امام(ره) بر مبنای دو شاخص اساسی یعنی خدامحوری و مردم‌گرایی استوار بود. به عبارت دیگر، در مدیریت ارزشی و مردمی ایشان، دو عنصر مهم نمایان بود، یکی مردم و دیگری انگیزه الهی. تلازم این دو عنصر، مدیریت نویی را ارایه داده که کارآیی و اثربخشی آن در روش حکومت و مدیریت بر قلوب به‌ثمر می‌نشیند. امام(ره) بر این باور است که سلامت مدیریت یک نظام با تفاهم ملّت و دولت تحقق می‌یابد و علت شکست دولتهایی که شیوه مدیرانشان بر سبک آمرانه مبتنی است، عدم‌تفاهم با ملّت است و اصولاً یکی از شاخصهای اصلی در ثبات سیاسی، رضایت مردم از حکومت و مدیریت تلقی شده است. بنابراین، مدیریت بر قلوب بهترین نوع مدیریت برای اداره سازمان‌های اسلامی تلقی می‌شود. سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که آیا در فرآیند تغییر، این نوع مدیریت می‌تواند کارآیی داشته باشد؟ در پاسخ می‌گوییم: در فرآیند تغییر دو چیز در نحوه عملکرد مدیر مهم است: ۱ـ انطباق‌پذیر بودن او ۲ـ نحوه اقدام او.

به عبارت واضح‌تر، مدیر در فرآیند تغییر باید به دو چیز اهمیت بدهد: یکی این که خود را با شرایط و مقتضیات انطباق دهد و در پی این انطباق سپس به انجام عمل مبادرت ورزد. انطباق‌پذیری به دو صورت انجام می‌پذیرد: یکی این که مدیر و رهبر منفعلانه عمل کند و تمام شرایط محیطی اثرگذار را قبول کند. دیگر این که کاری کند که دیگران شرایط وی را بپذیرند. به تعبیر دیگر، به نوعی عمل کند که دیگران، ارزش‌های وی را بپذیرند و در مورد او و مقبولیتش تردیدی از خود نشان ندهند. از این رو، اگر رهبر یا مدیر بتواند انطباق‌پذیر باشد، یعنی در بین مردم مقبولیت کسب کند، می‌توان قدم بعدی یعنی دخالت در فرآیند تغییر را بخوبی در مورد او مشاهده کرد. مدیریت بر قلوب بهترین و شیرین‌ترین نوع اداره جامعه است. در کلام حضرت امام(ره) به این مطلب اشاره شده است آن‌جا که فرمودند: حکومت بر قلوب؛ یک حکومت شیرین است؛ به خلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آن‌ها نباشد [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۴: ۱۷۹]. امام خمینی(ره) با ارایه این نوع مدیریت به جهان اسلام، کشورهای اسلامی را به نظریه خود دعوت نموده و می‌فرماید: شما کوشش کنید و به دوستان خودتان بگویید که کوشش کنند که قلوب مردم را به‌دست بیاورند. همان‌طوری که در صدر اسلام قلوب مردم متوجه به حکومت بود. حکومت صدر اسلام، حکومت بر قلوب بود. و لهذا با جمعیت‌های کم بر امپراتوری‌های بزرگ غلبه کردند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۴: ۱۸۰]. اکنون که بر مدیریت امام(ره) و مردمی بودن تأکید شد، پرسش اصلی مطرح می‌شود، که چگونه می‌توان مردمی بود و ملّت را همراه و همگام با خود و سازمان اسلامی کرد. به تعبیر دیگر، روش‌های دستیابی به مدیریت بر قلوب چیست؟ همان‌طور که گفتیم «مردمی بودن» یکی از شاخص‌های مدیریت امام خمینی(ره) است که ثمره آن در مدیریت بر قلوب نمایان می‌شود. به عبارت دیگر، راهبرد مشخص امام در مدیریت، جلب اعتماد و رضایت عامه مردم است که از دیدگاه ایشان، برای ایجاد اعتماد و جلب خرسندی تبوده عظیم ملّت، روش‌هایی وجود دارد که ذیلاً به آن‌ها می‌پردازیم:

الف) جلوگیری از ایجاد نارضایتی

رهبر کبیر انقلاب همواره به مدیران عالی کشور توصیه می‌نمودند که مراقب باشند در سازمان یا نهاد یا وزارتخانه‌های آن‌ها نارضایتی مردمی نباشد، همچنان که در بیاناتشان تأکید بر این امر نموده و می‌فرمایند: اینها [وزرا] باید حالا فکر این معنا باشند، که مردم را داشته باشند و یکی از راه‌هایش این است که وزارتخانه‌ها و ادارات یک جوری باشد که نارضایی ایجاد نکند [صحیفه امام(ره) ۱۳۷۸ ج ۱۹: ۳۶ـ۳۵]. امام با تأکید مجدد بر وجود رسیدگی به شکایات، چنین می‌فرماید: بهتر این است که یک همچو عملی [مرجع رسیدگی] انجام بگیرد که مردم هم توجه به این داشته باشند که یک مرجعی دارند که اگر در اداره یک کسی ــ یک ضد انقلابی ــ بود، خواست یک فضولی‌ای بکند، یک مرجعی دارند که به آن مرجع بروند مراجعه کنند و هم، خود این عمل فی نفسه مؤثر در این است که جلوگیری کند از بعضی از امور [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۹: ۳۶].

ب) عمل به موازین اسلامی

یکی دیگر از روش‌های جلب اعتماد مردم مسلمان، تمسک به اسلام ناب محمدی است. در نگرش امام خمینی(ره) به‌دست‌آوردن قلوب ملّت با عمل به اسلام و احکام الهی میسر است. چراکه در نگرش الهی، خداوند مقلب القلوب است. بدین معنا که اگر مدیری در جهت رضای خداوند و عمل به موازین شرعی کوشش و تلاش نماید و در این مسیر متحمل شدایدی گردد، خداوند تبارک و تعالی قلوب انسان‌ها را به سوی او متوجه می‌کند و او را در جهت دستیابی به اهدافش، مدد خواهد رساند. امام خمینی(ره) رهبر و مدیری است که همواره در راه وصول به مقاصد الهی کوشش نمود و درصدد اجرای احکام شریعت اسلام برآمد. همین امر باعث گردید تا خدای سبحان، قلوب مردم مسلمان را به سوی وی متمایل سازد. آن حضرت در این‌باره می‌فرماید: راه به‌دست‌آوردن قلوب ملّت این است؛ دل مردم مسلم، با اسلام به‌دست می‌آید. رگ خوابشان را ما فهمیدیم؛ قلوب مسلمین را باید توسط اسلام جلب کرد ــ الی... تطمئن القلوب؛ تمام قلوب دست خداست؛ «مقلب القلوب» خداست. به خدا متوجه شو تا دل‌های مردم به تو متوجه شود [صحیفه امام(ره) ۱۳۷۸ ج ۱: ۱۲۱].

ج) سخت‌گیری نکردن با مردم

یکی از مسایلی که در رفتار سازمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد چگونگی رفتار مدیر با کارکنان است. طبیعی است که نوع رفتار مدیر می‌تواند هدایت، تغییر و کنترل رفتار افراد را محک بزند و در این عرصه، داشتن مهارت‌های انسانی از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. بنابراین مهم‌ترین مهارت یک مدیر، توانایی وی در کار با مردم است که با داشتن این مهارت، درک بهتر رفتار گذشته، پیش‌بینی رفتار آینده و هدایت و کنترل رفتار انسان‌ها برای مدیر آسان خواهد شد. حال باید دانست که یکی از روش‌های مهم به‌دست‌آوردن مهارت انسانی، رفتار مناسب و شایسته با مردم است. به عبارت دیگر، برای نفوذ در اعماق روح انسان‌ها باید تا جایی که ممکن است با مردم کنار آمد و بر آن‌ها سخت‌گیری ننمود. امام خمینی(ره) با نگرش مردم‌سالاری، رفتار سازمان‌ها و نهادها با مردم را مهم دانسته و گذشت از آنان و سخت‌گیری نکردن با آن‌ها را موجب جلب رضایت عامه مردم دانسته و می‌فرماید: مسأله دیگر رفتار نهادها [سازمان‌ها] با مردم است. باید حرکت ما به‌صورتی باشد که مردم بفهمند که اسلام برای درست کردن زندگانی دنیا و آخرت آمده ما است تا ملّت احساس آرامش کند. این که آمده است: «الاسلام یجب ما قبله» این یک امر سیاسی است. اسلام دیده است اگر بخواهد با کسانی که تازه مسلمان شده‌اند سختگیری کند، هیچ‌کس به اسلام رو نمی‌آورد «جب ما قبل» کرده است و از آن‌چه در قبل کرده‌اند گذشته است [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۹: ۴۲].

د) شرکت دادن مردم در کارها

مشارکت کارکنان در کارها و تصمیمات سازمان، روشی است که در سازمان‌ها برای بهبود روابط کار و ایجاد انگیزه کاری انجام می‌گیرد. این که مردم حس کنند که سازمان از خودشان است و به نظریات آن‌ها در مورد سازمانشان بها داده می‌شود، این خود موجب انگیزه کاری شده و تعلق خاطر اعضا به سازمان را زیاد می‌کند. امام خمینی(ره) با یادآوری این که مدیران ما باید به گونه‌ای عمل کنند که ذائقه تلخی که مردم در گذشته از دیگران داشتند، به ذائقه شیرین مبدل شود، احساس خودی بودن را موجب حل مشکل در زمان بحرانی توسط مردم می‌داند و علت آن را این گونه ذکر می‌کند:

مردم احساسشان این است که از خود ما هست، هر چه هست؛ خودشان را غریبه دیگر نمی‌دانند با شما، خودشان را خودی می‌دانند، شما را فرزند خودشان می‌دانند. شما هم باید یک کاری بکنید که اگر خدای نخواسته برایتان یک مشکلی پیدا شد، همین بازار و همین محله و همین کوچه بریزند و مشکل شما را رفع بکنند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۷: ۲۶۵ـ۲۶۴].

۲. الگوهای رفتاری امام(ره) در مردم‌داری

دیدیم که در نگاه امام(ره)، مردم از جایگاه بالایی برخوردارند و ملّت آن‌چنان اهمیت دارد که ایشان جمهوری اسلامی را بدون اتکای به مردم بی‌معنا می‌شمردند، و نیز آن‌چنان دم از مردم‌سالاری می‌زنند که بین خود و اعضای سازمان بزرگ اسلامی هیچ تمایزی قایل نبودند. اینک به قضایایی درباره مردمی بودن امام خمینی(ره) اشاره می‌شود تا نگرش امام(ره) نسبت به ملّت بیش‌تر درک شده و الگوهای رفتاری آن رهبر فقید در این حوزه بیان گردد.

الف) عدم تبعیض بین رهبر و دیگران

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی در خاطره‌ای از روزهای بمباران تهران بیان می‌دارند: در آن روزها خانواده ما هم مثل بقیه مردم عمل می‌کردند. به شیشه‌ها نوار چسب زده بودیم و کار دیگری نمی‌کردیم... در روزهای اول جنگ از تیم مهندسی ستاد مشترک، شخصی به جماران آمد و یک محل ضد بمب برای امام(ره) درست کرد وقتی که آن جا را می‌ساختند امام(ره) گفتند: «من به آن جا نمی‌روم». باز یک روز بعد از ظهر حدود ۷ الی ۸ موشک به اطراف جماران اصابت کرد، من خدمت امام(ره) رفتم و عرض کردم: «اگر یک مرتبه یکی از موشک‌های ما به کاخ صدام بخورد و صدام طوری بشود ما چقدر خوشحال می‌شویم؟ اگر موشکی به نزدیکی‌های این‌جا بخورد و سقف پایین بیاید و شما طوری بشوید چه؟» امام(ره) در پاسخ گفتند: «وا... من بین خودم و آن سپاهی که در ۳ راه بیت است هیچ امتیازی و فرقی قایل نیستم وا... اگر من کشته شوم یا او کشته شود، برای من فرقی نمی‌کند». گفتم ما که می‌دانیم شما اینگونه‌اید اما برای مردم فرق می‌کند. امام فرمودند: «نه مردم باید بدانند اگر من به یک جایی بروم که بمب، پاسداران اطراف منزل مرا بکشد و مرا نکشد من دیگر به درد رهبری این مردم نخواهم خورد من زمانی می‌توانم به مردم خدمت کنم که زندگی‌ام مثل زندگی مردم باشد، اگر مردم یا پاسداران یا کسانی که در این محل هستند یک طوری‌شان بشود بگذار به بنده هم بشود تا مردم بفهمند همه در کنار هم هستیم». گفتم: «پس شما تا کی می‌خواهید این‌جا بنشینید؟» به پیشانی مبارکشان اشاره کردند و فرمودند: «تا زمانی که موشک به این جا بخورد» [ستوده ۱۳۷۳ ج ۱: ۸۶ـ۸۴].

ب) معرفی مدیران مردمی و خدمتگزار

امام خمینی(ره) با معرفی چهره‌های مردمی و مدیران خدمتگزار، آن‌ها را الگوهایی برای بقیه مدیران نظام مطرح می‌سازد و شاخصه اصلی مدیران مردمی را روح بلند آن‌ها و تأثیرناپذیری از مقام و پست می‌داند و می‌فرماید: من از خصوصیاتی که در این آقایان بود: آقای رجایی، آقای باهنر، آقای عراقی، آنی که به نظرم خیلی بزرگ است این است که آقای رجایی یک نفر آدمی بود که دست‌فروشی [می‌کرد] در بازار از قراری که گفتند، من در مطالعاتی که در ایشان کردم به نظرم آمد که از حال دستفروشی‌اش تا حال ریاست جمهوری، در روح او تأثیری حاصل نشد. چه بسا اشخاصی هستند که اگر کدخدای ده بشوند، تغییر می‌کنند. به واسطه ضعفی که در نفسشان هست، تحت تأثیر آن مقامی که پیدا می‌کنند واقع می‌شوند و اشخاصی هستند که مقام تحت تأثیر آنهاست از باب قوت نفسی که دارند و آقای رجایی، آقای باهنر در عین حالی که خوب یکی‌شان رییس‌جمهور بود، یکی‌شان نخست‌وزیر بود، این‌طور نبود که ریاست در آن‌ها تأثیر کرده باشد، آن‌ها در ریاست تأثیر کرده بودند یعنی آن‌ها ریاست را آورده بودند زیر چنگ خودشان، ریاست آن‌ها را نبرده بود تحت لوای خودش و این یک درسی است که انسان باید از این‌ها یاد بگیرد [صحیفه امام(ره) ج ۲۰: ۱۲۴].

چنان که دیدیم در نگرش امام، مدیری لایق و شایسته ریاست و مسؤولیت است که سوار بر ریاست شده و عنان آن را محکم در دست گرفته باشد، نه این که ریاست بر او غالب شده باشد و او را به هر سویی بکشاند. امام خمینی(ره) با معرفی مدیران مردمی چون رجایی و باهنر قوت نفس آن‌ها را یادآور شده و آن‌ها را به عنوان بهترین خدمتگزاران و مردمی‌ترین مدیران قلمداد می‌کردند.

سازوکارهای تحقق عدالت فرهنگی در اندیشه امام خمینی (ره)

«فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی تولید می‌نمایند».

فرهنگ، محتوای باطنی و چارچوب ذهنی افراد یک جامعه را تشکیل می‌دهد. شخصیت افراد متأثر از فرهنگ خاص جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کنند و تظاهرات خارجی افراد که به‌صورت آداب و سنن و هنجارهای اجتماعی آنان نمود می‌یابد، برگرفته از مایه‌ها و باورداشت‌های درونی آنان است. لذا فرهنگ دارای دو سطح ذهنی و مادی است. بدین صورت که سطح ذهنی آن به‌صورت زیربنا عمل نموده و با تغییر خود در سطح مادی ایجاد تغییر و تحول می‌نماید. عدالت فرهنگی به دنبال یافتن راه‌هایی است که در شکل‌گیری ذهنیت‌ها و تغییر آن‌ها و در نتیجه در نوع رفتار افراد عدالت برقرار گردد. اما چه عواملی بر ذهن و عمل افراد تأثیر می‌گذارند؟ آن‌چه در درجه اول به ذهن خطور می‌کند این است که علم و معرفت و کسب آگاهی‌های تازه، ذهنیت فرد را شکل می‌دهند و تفاوت آگاهی‌ها، باعث تمایز انسان‌ها از همدیگر می‌شود. بنابراین یکی از زمینه‌های تحقق عدالت فرهنگی، برابری افراد در بهره‌مندی از علم و معرفت مطابق با طبع و ذوق و علاقه آن‌هاست.

وسایل اطلاع‌رسانی، شیوه‌ای در انتقال اطلاعات به افراد است که امروزه نقش و جایگاه قابل‌ملاحظه‌ای یافته است. مطبوعات و رسانه‌های صوتی و تصویری می‌توانند در آن واحد جمعیت بی‌شماری را پوشش دهند، لذا هم به لحاظ زمانی و هم مکانی از سایر طرق خبررسانی سریع‌تر و وسیع‌تر عمل می‌نمایند. به همین جهت نیز مطبوعات و رسانه‌ها جایگاه بالایی را در فرآیند جامعه‌پذیری افراد خصوصاً جامعه‌پذیری سیاسی آنان به خود اختصاص داده‌اند.

«جامعه‌پذیری به‌طور کلی به معنی روندی است که بدان وسیله اعضای یک جامعه ارزش‌های گوناگون فیزیکی، فرهنگی، تکنولوژیک و زیبایی‌شناختی جامعه را دوره طولانی و اغلب در سراسر زندگی، به تدریج درونی و از آن خود می‌کنند به‌طور مشخص‌تر، جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان ترکیبی از مکانیسم‌ها، روندها و نهادهای گوناگونی دانست که به وسیله آن‌ها اعضای جامعه به تدریج از روابط قدرت طبقه حاکم در جامعه‌شان آگاهی و شناخت می‌یابند و الگوها را می‌پذیرند.»

شاید نتوان ترکیب «عدالت فرهنگی» را در میان سخنان امام(ره) پیدا نمود، اما شاخص‌ها و ابعاد عدالت فرهنگی به وفور در سخنان وی یافت می‌شود. فرهنگ، محوری‌ترین و اساسی‌ترین بحث را در اندیشه امام تشکیل می‌دهد. به‌طوری که ایشان تغییر و تحول در هر بخشی از جامعه را از طریق تحول در فرهنگ میسر می‌داند. این فرهنگ است که جامعه را به سمت پیشرفت و یا انحطاط می‌برد. لذا برای رسیدن به پیشرفت و کامیابی، توجه به فرهنگ اهمیت بالایی دارد. از مجموع این سخنان چنین نتیجه گرفته می‌شود که عدالت فرهنگی، مقدم بر عدالت سیاسی و اقتصادی است. فرهنگ با اندیشه و باور و ذهنیت افراد سروکار دارد و باور اساس هر تحولی است. بدین جهت عدالت فردی نیز مقدم بر عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد و تزکیه و تهذیب نفس و پرهیز از تندروی و تفریط و نه ظالم و نه مظلوم شدن، توصیه دایم امام(ره) به مردم می‌گردد. دانش و معرفت پس از طی مراحل گوناگونی حاصل می‌شود نخستین مرحله از خانواده آغاز می‌شود. نظر امام درخصوص این مطلب این است که: «... بچه وقتی در دامن مادرش هست، می‌بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه از همان‌جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق‌ها مؤثرتر است، تربیت می‌شود...». امام(ره) درخصوص کار ویژه مهم مطبوعات که هدایت‌گری جامعه است می‌فرماید: «تمام رسانه‌ها مربی یک کشور هستند، باید تربیت کنند کشور را و باید خدمت کنند به ملت». اعتماد به نفس و اتکا به اراده و توان خویش از نتایج اطلاع‌رسانی صحیح است. امام خمینی(ره) درخصوص اهمیت مساجد در آگاهی دادن و ظلم‌ستیزی می‌فرماید: «مسجدها محلی بوده است که از همان مسجد ارتش راه می‌افتاد برای جنگ با کفار و با قلدرها از توی مسجد، آن‌جا خطبه خوانده می‌شد، دعوت می‌شدند مردم به این که مثلاً آدم متعدی در فلان‌جا قیام کرده بر ضد مسلمین یا مال مردم را چپاول می‌کند... و از همان مسجد راه می‌افتادند و می‌رفتند طرف دشمن.» ملاحظه می‌گردد که بسیاری از عبادات اسلام جنبه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دارد. در جامعه‌ای که مواد مخدر و سایر ابزار مبتذل برای از بین بردن اندیشه و فکر جوانان، فراوان یافت می‌شود، امنیت فرهنگی مورد تهدید است. امام در سخنانی می‌فرماید: «این‌ها می‌خواستند هر قوه‌ای که احتمال بدهند در مقابل اجانب و اربابها می‌ایستد و هر فکری را که احتمال بدهند که این فکر در تقابل آن‌هاست، اگر بتوانند فکر را از آن‌ها بگیرند. فکر را چگونه باید بگیرند؟ با اعتیاد به مشروبات، با اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می‌گیرند، انسان را از میان تهی می‌کند...»

مطبوعات و اهل قلم می‌توانند امنیت فرهنگی را به نحو مطلوبی در جامعه ایجاد نمایند. برای مثال امام(ره) توصیه می‌کند: «نویسنده‌های ما، گویندگان ما، همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند، مأیوس نکنند. ملت را، بگویند توانا هستیم، نگویند ناتوان هستیم، بگویند خودمان می‌توانیم...» در جای دیگری امام(ره) از اهل قلم می‌خواهد که به مردم بگویند: «اسلام برای ملیت خاصی نیست و ترک و فارس و عرب و عجم ندارد. اسلام متعلق به همه است ونژاد و رنگ و قبیله و زبان در این نظام ارزش ندارد؛ و قرآن کتاب همه است...». از آن‌چه در این مقاله در باب عدالت فرهنگی از دیدگاه امام خمینی(ره) آمد این نتیجه حاصل می‌شود که امام خمینی(ره) در درجه نخست، بر زیربنا بودن عدالت فرهنگی بر سایر ابعاد عدالت تأکید داشته و اصلاح روح و روان انسان‌ها را مقدم بر هر چیز دیگری قرار می‌دهد. در مرحله بعد، استفاده از تمام ابزارها و امکانات اطلاع‌رسانی و خبرگیری را مورد توجه قرار می‌دهد تا آن‌جا که از تلویزیون به عنوان مربی جامعه یاد می‌نماید. سپس توجه به این مرحله اساسی است که از دید ایشان بهترین راه اصلاح فرهنگ و روان انسان‌ها در روی آوردن به معنویت و ادیان توحیدی است. توجه ایشان به مواردی همچون حج، مسجد، نماز جمعه و... که علاوه بر بعد عبادی، جنبه اطلاع‌رسانی و تبادل افکار مردم با یکدیگر را مورد نظر قرار می‌دهد، حایز اهمیت است. رفع موانعی که از رشد و تفکر خلاق انسان‌ها جلوگیری می‌کند و تأمین امنیت نویسندگان و کسانی که کار فرهنگی می‌کنند و لزوم آرامش و امنیت برای همه مردم، از اموری است که امام خمینی(ره) برای تحقق عدالت فرهنگی متذکر می‌گردد.

سید علی درخشان

امام خمینی(ره) و اندیشه انتظار

امام راحل با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و تلاش خستگی‌ناپذیر در راه تحقق این اندیشه، به «انتظار» معنا و مفهوم تازه‌ای بخشید و تعریفی نو از رسالت و تکلیف شیعیان در برابر حجت خدا ارایه داد. برای روشن‌تر شدن دیدگاه حضرت امام(ره) در این زمینه، به برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های این دیدگاه اشاره می‌کنیم:

الف) ارایه برداشتی متفاوت از مفهوم حجت:

ایشان با ارایه مفهومی عمیق و بدیع از «حجت بودن امام معصوم» اعلام می‌دارند که چون خداوند در روز قیامت به سبب وجود امام زمان(عج) و پدران بزرگوارش «علیهم‌السلام» بر بندگان احتجاج و نسبت به عمل براساس سیره، رفتار و گفتار این بزرگواران از مردم بازخواست می‌کند، بر آنان لازم است که همه تلاش خود را برای تحقق سیرت امامان معصوم «علیهم‌السلام» در جامعه به کار بندند و در این زمینه هیچ عذر و بهانه‌ای از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود. حضرت امام(ره) در کتاب البیع خود به هنگام بررسی ادله ولایت فقیه، ضمن برشمردن توقیع شریف حضرت صاحب‌الامر(عج) که در آن آمده است: «...و اَمّاالحَوادِثُ الواقِعَهُ فارجِعُوا فیها اِلی رُواةِ حَدیثِنا فاِنَّهُم حُجَّتی عَلَیکُم وَاَنا حُجَّةُ اللهِ عَلَیهِم.

... و اما در رویدادهایی که برای شما پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چراکه آن‌ها

- حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم.» می‌فرماید: مقصود از حجت خدا بودن امام معصوم(عج) این نیست که فقط بیان کننده احکام است؛ زیرا گفته بزرگانی چون زراره و محمد بن مسلم نیز
- حجت است و هیچ کس حق مردود دانستن و عمل نکردن به روایات ایشان را ندارد و این امر بر همگان آشکار است. بلکه منظور

از حجت بودن امام زمان(عج) و پدران بزرگوارش، صلوات... علیهم اجمعین، این است که خداوند تعالی به سبب وجود ایشان و سیره و رفتار و گفتار آنان در تمام شؤون زندگی‌شان، بر بندگان احتجاج می‌کند. از جمله شئون امامان، عدالت آنان در همه زمینه‌های حکومت است. براساس همین نگاه به حجت خدا بود که ایشان خطاب به مسؤولان جمهوری اسلامی ایران می‌فرمودند: ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای این که اگر چنانچه موفق شدیم ان‌شاا... به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه‌هایی که الآن به کار گرفته شده‌اند در کشور ما باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی(عج).

ب) دگرگون ساختن مفهوم انتظار:

امام خمینی(ره) مفهومی را که در طول قرون و اعصار از «انتظار» در اذهان بسیاری از شیعیان نقش بسته بود دگرگون ساخت و با همه دیدگاه‌هایی که انتظار را برابر با سکون، رکود و تن دادن به وضع موجود معرفی می‌کردند به مقابله جدی پرداخت: «بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان(عج) را از خدا بخواهند [...] یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، در ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان‌شاا... درست می‌کنند [...] یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود [...] یک دسته‌ای از این بالاتر بودند و می‌گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور بشود و حضرت، علیه‌السلام تشریف بیاورند [...] یک دسته دیگر بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. ایشان ضمن ردّ همه دیدگاه‌های یادشده دیدگاه خود در باب انتظار فرج را این گونه بیان می‌کند: همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان‌شاا... تهیه شود. همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود، بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان‌شاا... تهیه شود

وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم.

ج) تلاش برای تحقق عدالت در عصر غیبت:

حضرت امام(ره) تلاش برای تحقق عدالت و جلوگیری از ظلم در عصر غیبت را یک تکلیف الهی دانسته و همه مسلمانان را دعوت می‌کردند که تا سرحد توان خود این تکلیف الهی را به انجام رسانند: «ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم، این که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کنند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.» «البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند.»

د) زمینه‌سازی برای ظهور منجی موعود:

رهبر فقید انقلاب اسلامی معتقد بود که باید با گسترش اسلام راستین در جهان و مبارزه با سلطه جهانخواران، راه را برای ظهور منجی موعود هموار ساخت: «ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان، ارواحنافداه، هموار می‌کنیم.»

هـ) حرکت در جهت تحقق حکومت جهانی اسلام:

امام راحل به جدّ بر این باور بود که انقلاب اسلامی ایران، نقطه شروع انقلاب جهانی حضرت مهدی(ع) است و از این رو پیوسته به مسؤولان نظام توصیه می‌کردند که هرگز از آرمان عظیم انقلاب اسلامی که تشکیل حکومت جهانی اسلام است غافل نشوند: مسؤولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد، مسایل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسؤولان را از وظیفه‌ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، و این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.» در سال‌های اخیر گروهی از فرزندان انقلاب اسلامی و وفاداران به

- آرمان‌های امام خمینی(ره) تلاش کردند که با الهام از اندیشه‌های این پیر فرزانه، ابعاد و زوایای دیگری از اندیشه انتظار شیعی را تبیین کنند. این گروه با درک عمیق از موقعیت کنونی انقلاب اسلامی در جهان،
- نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جهان معاصر، تبلیغ و ترویج باور مهدوی و فرهنگ انتظار را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده و پرداختن به امور زیر را در عصر حاضر ضروری می‌دانند:

۱) شناسایی و نقد بنیادین وجوه مختلف فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به عنوان فرهنگ و مدنیتی که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت‌گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد؛ زیرا انسان‌های عصر غیبت تنها زمانی می‌توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنا در سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را به‌درستی بشناسند و با تمام وجود از آن بیزاری جویند.

۲) شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی؛ مناسباتی که عمدتاً به تقلید از الگوهای توسعه غربی و تحت‌تأثیر اندیشه‌های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است؛ چراکه این جوامع بدون شناخت جدی از وضع موجود خود نمی‌توانند به راهکارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی برای خروج از فتنه‌های فراگیر عصر غیبت دست یابند.

۳) تلاش در جهت تدوین استراتژی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت و تا رسیدن به عصر طلایی ظهور، براساس اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار.

تجدید بیعت مسؤولان شهرستان شهریار با آرمان‌های امام خمینی (ره) و شهدا

همزمان با نزدیک شـدن بیست وسـومین سـالگرد عروج ملکوتی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره) جمعی از خانـواده معظم شـهدا، امام جمعه، فرماندار، شـهرداران و سـایر مسؤولان اجرای شهرستان شهریار و اصحاب رسانه و جراید با حضور در مرقد امام (ره) با آرمان‌های آن امام همام و شـهدا و ولایت تجدید بیعت نمودند.

برنامه‌های فرمانداری شهریار برای مراسم بزرگداشت ارتحال امام خمینی (ره)

رییس اداره اجتماعی فرمانداری شهریار اسامی کمیته‌ها، اعضای و وظایف ستاد ارتحال را تشریح کرد و خواستار ارایه گزارش از انجام وظایف محوله شد.

اسامی کمیته‌ها:

الف) کمیته مراسم با مسؤولیت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و عضویت فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهریار- اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان- واحد فرهنگی شهرداری‌ها امور مساجد- بنیاد شهید و امور ایثارگران شهریار- اداره حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس شهرستان و سایر ادارات فرهنگی.

ب) کمیته پشتیبانی و حمل‌ونقل با مسؤولیت آقای سرچه‌پیما- معاون محترم امور عمرانی فرمانداری و عضویت کلیه شهرداری‌ها، سازمان‌های حمل‌ونقل، واحدهای ترافیک شهرداری‌ها نماینده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهریار اداره راهنمایی و رانندگی فرماندهی انتظامی شهرستان شهریار، نماینده بخشداری مرکزی، اداره صنعت، معدن و تجارت، اوقاف و امور خیریه، جهادکشاورزی، شبکه بهداشت.

ج) کمیته اسکان با مسؤولیت فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهریار و عضویت اداره و آموزش و پرورش، شهرداری‌ها و هلال‌احمر.

د) کمیته بهداشت و امداد و نجات با مسؤولیت مدیریت شبکه بهداشت و درمان شهرستان و عضویت فرماندهی نیروی مقاومت- جهادکشاورزی- آبفای شهری و روستایی- هلال‌احمر سازمان آتش‌نشانی و شهرداری‌ها و اورژانس

ه) کمیته فرهنگی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی با مسؤولیت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضویت اداره تبلیغات اسلامی آموزش و پرورش- دفاتر ائمه جمعه- امور مساجد و بنیاد شهید و امور ایثارگران شهریار، رسانه‌ها و مطبوعات و خبرنگاران و روابط‌عمومی شهرداری‌ها.

و) کمیته امنیت و انتظامات و ترافیکی با مسؤولیت فرماندهی انتظامی شهرستان شهریار و عضویت اداره راهنمایی و رانندگی و اداره اطلاعات و فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهریار.

ز) کمیته ورزش با مسؤولیت اداره تربیت بدنی شهرستان شهریار و عضویت معاونت پرورشی اداره آموزش و پرورش و واحدهای فرهنگی شهرداری‌ها و فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهریار.

ح) کمیته دانشجویی و دانش‌آموزی با مسؤولیت اداره آموزش و پرورش و عضویت دانشگاه‌ها.

ط) کمیته نظارت و ارزیابی با مسؤولیت بخشدار مرکزی و عضویت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، اداره حفظ آثار، سپاه شهریار.

۱- وظایف کمیته‌ها:

الف) کمیته مراسم:

برنامه‌ریزی جهت برگزاری مراسم بزرگداشت سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) در مرکز شهرستان با هدف تبیین سیره و اندیشه‌های حضرت امام(ره) در تاریخ ۹۱/۳/۱۱ از ساعت ۱۱ صبح الی ۱۳ در مصلای نماز جمعه شهریار

- برگزاری مراسم خاص در هر شهر یا روستا با هماهنگی و همکاری شهرداری‌ها، بخشداری و شوراهای اسلامی و ائمه جماعات با حضور اقشار مردمی.

ب) وظایف کمیته پشتیبانی و حمل‌ونقل:

- تأمین غذای مهمانان سایر استان‌ها که در شهرستان اسکان داده می‌شوند

- تأمین اقلام پذیرایی زایران شهرستان شهریار که برای زیارت به حرم حضرت امام(ره) مشرف خواهند شد

- تأمین آب شرب بهداشتی با تانکرهای سیار

- ایجاد ایستگاه‌های صلواتی در مبادی ورودی و خروجی شهرها و در حرم حضرت امام(ره)

- تأمین اتوبوس و وسایط نقلیه مورد نیاز برای جابه‌جایی زایران شهرستان از نقاط مختلف شهرستان به مرقد مطهر و بالعکس و هم‌چنین مراسم سالگرد که در مصلای شهریار برگزار می‌شود و تأمین وسیله ایاب و ذهاب برای اعزام مسؤلان و خانواده معظم شهدا برای یتاج گل به مرقد مطهر حضرت امام(ره)

ج) وظایف کمیته اسکان:

- اسکان و پذیرایی از مهمانان زایر

تأمین اقلام مورد نیاز در جهت رفاه حال زایران مهمانان در تعامل با کمیته پشتیبانی

د) وظایف کمیته بهداشت و امداد و نجات:

- ایجاد پایگاه‌های امدادی در مسیر حرکت کاروان زیارتی

- آماده‌باش بیمارستان‌ها جهت ارایه خدمات به زایران

- نظارت بر تغذیه و آب آشامیدنی زایران

- استقرار خودروهای آتش‌نشانی و اطفای حریق در نقاط مختلف و هم‌چنین در حرم مطهر

ه) وظایف کمیته فرهنگی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی:

- برنامه‌ریزی جهت تبیین اندیشه‌های حضرت امام از طریق چاپ بروشور، جزوه و برگزاری مسابقات ایجاد وحدت رویه و اطلاع‌رسانی افکار عمومی در اماکن مذهبی و فرهنگی

- چاپ و توزیع وصیت‌نامه امام(ره)

- برنامه‌ریزی جهت تبیین اندیشه‌های امام در سطح ادارات نهادها، مدارس و مساجد با دعوت از استادان مجرب

- فضاسازی و ایجاد گستره تبلیغاتی در شهرها و روستاها

هماهنگی با اصحاب رسانه و خبر اعم از مطبوعات، واحد مرکزی خبر و سایر خبرگزاری‌ها برای پوشش خبری برنامه‌ها و مراسم‌های شهرستان

- انعکاس اقدامات و برنامه‌های ستاد ارتحال حضرت امام و هماهنگی با تمامی کمیته‌ها و اخذ برنامه‌های آنان جهت انعکاس به شبکه ۵ سیما به منظور زیرنویس کردن آن‌ها

و) وظایف کمیته امنیت، انتظامات و ترافیک

- تأمین نظم، امنیت و انتظامات برنامه‌های اجرایی در شهرستان

- تأمین امنیت و برقراری نظم در مراسم سالروز ارتحال در درون شهری و جاده‌ها

- کنترل ترافیکی جاده‌های شهرستان منتهی به حرم

ز) وظایف کمیته ورزش

- هماهنگی با هیأت‌های ورزشی، اداره آموزش و پرورش و شهرداری‌ها جهت اعزام دوچرخه سواران به حرم مطهر در قالب کاروان زیارتی، با در دست داشتن پرچم جمهوری اسلامی و منقوش به تمائل امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری

- برگزاری مسابقات ورزشی تحت عنوان گرامی‌داشت سوم خرداد روز مقاومت و پیروزی

ح) وظایف کمیته دانشجویی و دانش آموزی

- برپایی همایش‌های تبین سیره‌های عملی و نظری حضرت امام(ره)

- هماهنگی جهت حضور گسترده دانشجویان و دانش‌آموزان در مراسم شهرستان و حرم مطهر

ط) وظایف کمیته نظارت و ارزیابی

- پیگیری اخذ اقدامات کمیته‌های اجرایی ستاد

- ارزیابی عملکرد کمیته‌ها

- تعیین کمیته‌های برتر که در جهت برگزاری مراسم تلاش‌های گسترده و مضاعف داشته‌اند و معرفی آنان به رییس ستاد.

همراه با شهدا

وصایای شهدا در رابطه با امام(ره)

شهید علی یعقوبی‌نیا
تولد: ۱۳۴۸/۳/۱۶
تاریخ و محل شهادت: ۶۵/۱۱/۲۸ فکه
فرازی از وصیت نامه:
پیرو خط امام(ره) و ولایت فقیه باشید که هرچه داریم و خواهیم داشت از برکت ولایت فقیه و رهبری می‌باشد.

شهید حمید دنیامالی
تولد: ۱۳۳۶/۱/۸
تاریخ و محل شهادت: ۶۵/۲/۱۳ فکه
فرازی از وصیت نامه:
توصیه می‌کنم هیچ‌گاه از خط انقلاب و پیروی از امام (ره) و خط خون شهدا خارج نشوید.

شهید صمد چهارراهی‌نژاد
تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۶/۱۲
تاریخ و محل شهادت: ۶۲/۱۲/۴
فرازی از وصیت نامه:
من با امام خمینی (ره) بت شکن عهد بسته‌ام و به او وفادارم، زیرا او به اسلام و قرآن وفادار است.

سردار شهید حاج یدا... کلهر
تولد: ۱۳۳۳/۶/۱۳
تاریخ و محل شهادت: ۶۵/۱۱/۱ پاسگاه زید
فرازی از وصیت نامه:
این راهنمایی امام عزیزمان بود که راه خود را پیدا و انتخاب کردم تا بتوانم جبران زمان جاهلیت خود را بکنم.

شهید عبدالله زمانپور
تولد: ۱۳۳۸/۶/۱۲
تاریخ و محل شهادت: ۶۲/۱/۲۴ فکه
فرازی از وصیت نامه:
می روم تا با جهاد و شهادت تم حقانیت این انقلاب و این رهبر امام خمینی (ره) را به جهانیان ثابت نمایم.

شهید حسن وفادار ایدلو
تولد: ۱۳۴۴/۱۲/۲۰
تاریخ شهادت: ۶۱/۱۱/۱۹
فرازی از وصیت نامه:
از شما می‌خواهم که دست از این انقلاب و رهبر برندارید و بر ایمانتان بیفزایید و منتظر مهدی (عج) باشید که انشاا... انقلاب ما پیوسته انقلاب مهدی (عج) است.

شهید علی عطار حمیدی
تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۵/۱۳
تاریخ و محل شهادت: ۶۱/۲/۱۰
فرازی از وصیت نامه شهید:
مسؤولیت شما بسیار سنگین است در مقابل خدا و خون بیش از ۱۰۰ هزار شهید مسؤولید و وحدت و مکتب و رهبر امام خمینی(ره) را حفظ کنید.

شهید علیرضا غریب‌لکی
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۴/۱۲
تاریخ و محل شهادت: ۶۵/۱۰/۳۰ شلمچه
فرازی از وصیت نامه شهید:
به همه اعلام کنید که بنده آگاهانه راه خود را شناخته و به ندای رهبرم امام خمینی(ره) لبیک گفتم و برای بیرون کردن متجاوزین قیام کردم.

شهید یونس قوچالو
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۴/۹
تاریخ و محل شهادت: ۶۵/۳/۱
فرازی از وصیت نامه شهید:
با رهبر عزیزم امام خمینی(ره) عهد می‌بندم تا آخرین قطره خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد.

شهید حاج حسن مداحی
تاریخ تولد: ۱۳۳۷
تاریخ و محل شهادت: ۶۷/۶/۴ جزیره مینو
فرازی از وصیتنامه:
با خدای بزرگ عهد و پیمان بستم و با رهبری انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) بیعت کردم که در این راه تلاش و کوشش کنم.

شهید علی میعادی
تولد: ۱۳۴۶/۶/۶
تاریخ و محل شهادت: ۶۱/۵/۷ پاسگاه زید
فرازی از وصیت نامه:
درود بر امام عزیز، خمینی بت شکن زمان، ولی بر حق، رهبر مسلمن و مؤمنین جهان.

شهید محسن پور قاسمی
تولد: ۱۳۴۰/۱/۲۵
تاریخ و محل شهادت: ۶۲/۸/۱۵
فرازی از وصیت نامه:
و با خداوند منان پیمان می‌بندیم که در تمام عاشوراها و کربلاها حسین زمان(ع) امام خمینی (ره) را تنها نگذاریم.

امام خمینی (ره) بر استواری نهاد خانواده تأکید داشتند

مدینه فاضله‌ای که اسلام ترسیم می‌کند و جامعه مدنی و توسعه همه‌جانبه، که اینک به عنوان یک آرمان جهانی برای ملت‌های مختلف و از جمله امت بزرگ اسلامی درآمده است، بدون حضور سازنده و فعال «نهاد مقدس خانواده» و بدون منظور ساختن همه شروط و لوازمی که شکل‌گیری و تحقق «خانواده مطلوب» برای جامعه اسلامی ایجاب می‌کند، امکان ندارد

وقتی از منظر نگاه امام خمینی(ره) به دین شناختی زنان و مسایل آنان می‌نگریم، اصالت نهاد خانواده به عنوان مایه سکونت و انس جویی و محبت ورزی زن و شوهر و جایگاه امن و آماده تربیت فرزندان از یک سو، و شرافت و مقام مادری و مسؤولیت خطیر و پرارزش آن از سوی دیگر، جایگاهی محوری دارد. عنایت و اهتمام خاصی که آن فقیه فرزانه و دین شناس بزرگ تاریخ اسلام به این نهاد، به‌ویژه مقام مادری دارد، محور «خانواده ـ مادر» را به روشنی در نگاه و اندیشه هر کس که از منظر نگاه امام به این محور می‌نگرد، از نظر موقعیت آن و مسؤولیتهای ناشی از آن، به یکی از حیاتی‌ترین و زیربنایی‌ترین نهادها و موقعیت‌های بشری درمی آورد، و از نظر شرافت و ارزش در قله خوبی‌ها و سرآمد ارزش‌ها قرار می‌دهد. و امام(ره) در این باب سخن بسیار دارد و در این جا به اندکی بسنده خواهد شد.

خانواده به عنوان یک نهاد فراگیر اجتماعی، هسته اولیه جامعه به شمار می‌رود و خاستگاه موقعیت ممتاز و ویژه آن، به‌خصوص جایگاه مادری، فقط رهنمودهای دینی نیست. افزون بر آن همه آموزه‌هایی که در جهت شکل‌گیری صحیح، تعیین مسیولیت‌ها، راه حل مشکلات و تحکیم پیوندهای خانوادگی، صادر شده است، منافع و ارزش‌های گسترده‌ای که در این نهاد هویداست، به عنوان واقعیاتی ملموس، برای همگان روشن است.

قرآن کریم خاستگاه غریزی و فطری پیوند زناشویی و تشکیل این نهاد را آفرینش زن و مرد از یک حقیقت (مَن اَنفُسکُم) و عشق و مهربانی (مودّه و رحمه) و آرامش خاطر (لتَسکنوا الیها) می‌شمارد و آن را از جمله «آیات» الهی معرفی می‌کند. و در جای دیگر جایگاه زن و شوهر و نسبت میان آن دو را با استعاره زیبا و گویای «لباس» یکدیگر بودن بیان می‌کند. بارها حضرت امام(ره) در تأکید بر این‌که اسلام، دین زندگی است و برای همه زوایا و جوانب زندگی برنامه و چارچوب دارد، مثال تشکیل خانواده را شاهد آورده است: «احکام شرع، حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی، هرچه بشر نیاز دارد فراهم آمده است؛ از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و همشهری، و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی. برای قبل از انجام نکاح و انعقاد نطفه قانون دارد و دستور می‌دهد که نکاح چگونه صورت بگیرد و خوراک انسان در آن هنگام یا موقع انعقاد نطفه چه باشد، در دوره شیرخوارگی چه وظایفی برعهده پدر و مادر است و بچه چگونه باید تربیت شود، و سلوک مرد و زن با همدیگر و با فرزندان چگونه باشد. برای همه این مراحل دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند.»

شرح این حقیقت بارها در کلام حضرت امام(ره) آمده است، از جمله:

«شما وقتی اسلام را ملاحظه می‌کنید به حسب ابعاد انسانیت، طرح دارد، قانون دارد، از قبل از این که انسان به این دنیا بیاید، قبل از این که پدر و مادر انسان ازدواج کنند، طرح دارد برای این که این بذر را خوب تربیت کند، طرح دارد. زن را چه جور انتخاب کنید، شوهر را چه جور انتخاب کنید، در وقتی که ازدواج می‌کنید چه وضع باشد، با چه آداب باشد، در وقت لقاح چه آداب باشد، در وقت حمل چه آداب باشد، مثل یک زارعی که یک تخم زراعت را می‌کارد و مواظبت می‌کند که زمین خوب باشد، آب، آب سالم باشد، به موقع برسد، سایر تربیت‌ها تربیت‌های نباتی باشد که درست تربیت بشود، اسلام برای تربیت انسان از قبل ازدواج پدر و مادر شروع کرده است، زمین را یک زمین سالم مطهر می‌خواهد باشد، زوج را یک زوج سالم صحیح انسان صفت انتخاب بکند.

بعد هم آداب دیگر تا وقتی که متولد می‌شود و آداب حمل و تربیت در دامان مادر و تربیت در پیش پدر و تربیت‌های بعدی که دنبال این می‌آید.»

قربانعلی بادگاری
رییس شورای اسلامی شهریار

ضرورت بازخوانی وصیت نامه امام خمینی (ره)

بسیاری از دشمنان انقلاب بر این تصور بودند که انقلاب اسلامی در ایران با رفتن رهبر آن دچار بحران خواهد شد و زمان زیادی ادامه حیات نخواهد داد. اما آنان غافل از این بودند که اگر چه امام امت(ره) از میان ملت رفت، اما اندیشه‌های او باقی ماند. اندیشه‌هایی که ملت با دل و جان به آن‌ها ایمان داشتند و برای تحقق اهداف و آرمان‌های برآمده از آن راضی به فدا کردن جان خود بودند. دشمن غافل از آن بود که اگرچه امام(ره) امت چشم از دنیا فروبست اما شاگردان و مریدان او که سال‌ها در مکتبش هم در عرصه نظر و هم در عرصه عمل کسب فیض کرده بودند راه او را ادامه خواهند داد. لذا راه و مشی حضرت امام(ره) توسط شاگردان ایشان و براساس دیدگاه‌ها و نظریات ایشان ادامه پیدا کرد و امروز نظام جمهوری اسلامی ایران پویاتر و مقتدرتر از گذشته به راه خود ادامه می‌دهد و آرمان‌های امام(ره) خود را سرلوحه کار خود قرار داده است.

بی‌شک رهبری حضرت آیت... خامنه‌ای که پس از رحلت جانسوز حضرت امام(ره) زعامت امت اسلامی را عهده دار شدند در تداوم راه و اندیشه امام(ره) راحل غیرقابل انکار است. رهبر معظم انقلاب پس از رحلت امام نزدیک‌ترین فرد به ایشان از ابعاد گوناگون بودند. شخصیتی که توانست با حضور خود در مسؤولیت رهبری امت یاد و خاطره امام(ره) را در دل‌ها زنده نگه دارد و لحظه‌ای تردید در ادامه راهی که امام پیش‌روی ملت نهاده بود نکند. ایشان با دلی مالامال از عشق و ارادت به امام(ره) راحل و با سرلوحه قرار دادن رهبری بی‌بدیل امام(ره)، این انقلاب بی‌مانند جهان را به درستی هدایت کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب بارها و بارها و به مناسبت‌های مختلف اندیشه‌ها و دیدگاه‌های حضرت امام(ره) را مطرح و تفسیر کرده‌اند و اصول نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را براساس افکار نورانی حضرت امام(ره) ترسیم نموده‌اند. بدون شک ایشان در حفظ وتداوم راه امام(ره) بیشترین و ارزنده‌ترین نقش را ایفا کرده‌اند. نوزدهمین سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام(ره) فرصتی دوباره بود برای رهبر عظیم الشأن انقلاب تا بار دیگر دل‌ها و فکرها را متوجه امام(ره) کند. ایشان در این مراسم از وصیت نامه امام(ره) به عنوان قوی‌ترین وبهترین مواریث معنوی یاد کردند و فرمودند: این وصیت نامه در واقع دستورالعملی ملی برای پیشرفت و توسعه و سرفرازی ایران است. وصیت نامه حضرت امام(ره) از جمله منابع و یادگارهای ارزشمند امام(ره) است که توانسته رابطه معنوی انقلاب وامام(ره) را تداوم بخشد. نگارش این متن ارزنده حکایت از دیدبلند امام و ایمان ایشان به انقلاب اسلامی وامید به آینده درخشان آن دارد. امام(ره) با این وصیت نامه به ما و نسل‌های آینده این انقلاب گفت این انقلاب مسیری روشن و شفاف دارد و نمی‌توان به نام آن از مسیر اصلی منحرف شد. امام(ره) با وصیت نامه خود به ما و همه جهانیان فهماند که اگر برای سرنگونی طاغوت برنامه داشت برای دوران مابعد طاغوت هم برنامه دارد، حتی اگر بعد از آن که او در قید حیات نباشد. لذا وصیت نامه امام برنامه‌ای است برای تداوم انقلاب ما. وصیت نامه امام(ره) یک متن معمولی نیست و همین موضوع ماندگاری آن را در پی خواهد داشت. این وصیت نامه توسط انسانی به نگارش درآمده که بنده حقیقی خدا بود و شاگرد ممتاز مکتب قرآن واهل بیت(علیهم‌السلام) لذا این متن گران‌بها چیزی جز بازتاب آموزه‌های مکتب اسلام نیست.

امام(ره) با نگارش وصیت نامه بی‌نظیر خود مشکل بزرگی را که همانا چگونگی ادامه انقلاب بود از میان برداشت و ما امروز نمی‌توانیم بر سر چگونگی ادامه راه و چگونگی مدیریت جامعه انقلابی خود دچار تردید و چنددستگی باشیم و یا به بهانه نبود برنامه و راهبردی از ادامه مسیر مایوس شویم. به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب در جمع عزاداران امام(ره) فرمودند: انقلاب اسلامی به فرموده امام راحل عظیم الشأن متعلق به همه قشرها و نسل‌های حال و آینده ایران است و این ملت بزرگ، این امانت سنگین الهی را در پرتو عمل به وصیت نامه راهگشای امام خمینی(ره)، حفظ شعارها، جهت گیری‌ها، ارزش‌ها و مبانی انقلاب و در سایه پیشرفت و نوآوری وتعالی حفاظت خواهد کرد. وصیت نامه امام به دلیل خصلت و ویژگی‌های خاصی که دارد می‌تواند نقطه اتصال همه نسل‌های بعد از انقلاب باشد و همچون عاملی برای بسیج همه نسل‌ها در راستای انقلاب اصیل و مورد نظر امام(ره) عمل نماید. وصیت نامه امام(ره) به عبارت دیگر می‌تواند عامل وحدت بخش و انسجام دهنده نیروهای انقلاب باشد.

جمشید فرجی
عضو شورای اسلامی شهر شهریار

یادداشت

اسماعیل داسدار

فریاد امام خمینی (ره) فریاد حقیقت‌خواهی و ظلم‌ستیزی و عدل‌گرایی بود

در این گفتار، نگارنده، سر آن دارد از ناشناختگی پاره‌ای از ابعاد مردی سخن گوید که دست تقدیر الهی، او را که عارفی وارسته و زاهدی از دنیا گسسته بود، در رأس یک قدرت نوپا و نوجو و ستیزه گر و پرخاشجو و اصلاح گر و فریادگر قرارداد که تمامی دنیای ظلم و استکبار را در سراسر جهان، به ناوردگاه خود فراخواند و یک تنه و یک جا، با شرق و غرب دست‌وپنجه نرم کرد. این چهره همی‌نکه به مبارزه جویی و یورشگری شناخته شد، ابعاد عرفانی و معنوی و اخلاص و معنویت و زهد و تقویت و بی‌پیرایگی و وارستگی و از دنیا گسستگی و به حق پیوستگی و عشق و ایثار و عبادت و راز و نیاز عاشقانه شبهای تار این مرد شگفت انگیز در سراسر جهان - و حتی در پاره‌ای موارد در زادگاه انقلاب اسلامی یعنی ایران نیز - از انظار مردم عادی پنهان گشت. به‌خصوص آنکه، پرچم حق و عدل و دادی که او، پرچم دار آن بود، اشارت بدان داشت که پرچم‌های ناحق و ظلم و بیداد، باید فرو کشیده شود و این، برای ستمگران و بیدادگران که در سراسر جهان بر محرومان و مستضعفان، حکم می‌راندند، بسی گران و ناگوار بود. برای شناخت ابعاد ناشناخته امام خمینی، باید ابتدا از مقیاس‌ها و معیارهایی سخن گفت که آن‌ها نیز ناشناخته اند! تقوی، اخلاص، زهد، بی‌علاقگی به دنیا، عبادت، سرشک شوق برای خدا در نیمه شب تار از دیدگان فرو ریختن، در جستجوی گمنامی و بی‌نام و نشانی بودن، مال فراهم نیاوردن، خشت‌بر خشت نهادن، خانه نو بنا نکردن، در جایگاهی محقر زیستن و بدان دلخوش بودن، از خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های رنگارنگ و گونه گونه دنیا کم‌بهره بودن، کم خوردن، لب و دم و دامن از شهوات شستن، خواسته‌های دلفریب و هوس برانگیز را از میان برچیدن و جز این‌ها و جز این‌ها... از ارزش‌های بی‌شماری است که در قاموس «دین» و «وحی» و «نبوت» و «رسالت» و در قلمرو معنویات و روحیات و در مقام شناخت انسان شناسانه و تربیتی مکاتب الهی و ادیان آسمانی از آن آن‌ها، سخن بسیار فراوان رفته است. راستش آنست که مردم دنیا، عموماً - مگر آن‌ها که با روح و جان این آموزش‌های ملکوتی والا آشنایند - در درک این مفاهیم و ارزش‌ها، همچون کودکان نابالغی‌اند که تو بخواهی با آن‌ها از جفت جویی و همسر خواهی و کامجویی سکرآور دختران و پسران بالغ و سالم و پر نشاط و پر احساس سخن گویی! ... کودک، از این همه، جز الفاظی گنگ و نامفهوم هیچ نمی‌فهمد! حقیقت آن است که درک و احساس دینی و معنوی و اخلاقی یک نوع «بلوغ» است و اگر کسی به این «بلوغ» نرسیده باشد، با او سخن از این مفاهیم گفتن، آب در هاون کوبیدن است. و این است رمز ناشناخته ماندن ابعاد شخصیت مردان الهی به‌طور عموم و از جمله آن‌ها امام خمینی(ره)، حتی در بین دوستان و مریدان و پیروانشان. معمولاً وقتی سخن از امام خمینی(ره) و ابعاد شخصیت او می‌شود، آن‌چه در ابتدا به ذهن‌ها می‌آید نمودهای سیاسی - اجتماعی و صلابت و قاطعیت و شکست‌ناپذیری و بالاخره «اصول گرایی» آن فقید یکتاست. و شما اگر به آن‌چه درباره امام(ره) - حتی در روزنامه‌ها و مجلات و رسانه‌های دیگر خودمان نیز - نوشته و گفته شده و می‌شود، بنگرید، بیش از ۹۵درصد را از این مقوله می‌یابید. حقیقت آنست که آن‌چه امام خمینی(ره) را در دنیا شاخص و نام آور کرد و به جز ما مسلمانان ایرانی که از برکت روح مخلص و حقیقت جو و آرامش ناپذیر و والانگر او، اینک در فضای عطرآگین جمهوری اسلامی - با همه کم و کاستی‌های مشهود مادی و معنوی - به سر می‌بریم، همه مسلمانان و حق جویان و ستم ستیزان این سو و آن سوی گیتی نیز، عاشق شیدا و مرید و پیرو صادق و متعصب او شده‌اند اینست که وی توانست با اراده والا و روحیه شکست‌ناپذیر و همت‌بلند خود، نظامی را از بیخ و بن برکند که ۲۵۰۰ سال در اعماق تاریخ، ریشه دوانیده بود و به جای آن، نظامی برنشاند که در همه جهان بی‌نظیر است، نه از آن جهت که چیز تازه‌ای آورده! بلکه درست برعکس! از آن جهت که به کهن‌ترین و اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین و پرسابقه‌ترین نهادهای جاودانه بشری یعنی همگی ادیان الهی و پیامبران آسمانی وابسته است! و این، یک حقیقت و واقعیت است که جمهوری اسلامی، نه تنها، از آیین خاتم الانبیا و المرسلین حضرت محمد بن عبدا... صلی ا... علیه وا... و سلم پیروی می‌کند، بلکه در عین حال، احیاگر نام همه پیامبران خدا و زنده کننده آیین آن‌ها در سراسر جهان است. .. بی‌جهت نیست که انقلاب اسلامی ایران نه تنها در خیزش و جنبش اسلامی، در سراسر جهان اسلام مؤثر بوده، بلکه موجب برانگیخته شدن احساسات دینی و احیای «قدسیت» مذهب در میان همه ادیان جهان و پیروان آن ادیان شده است. حالا سخن، اینست که در این داستان نیز، نگرش واقع بینانه که بسیاری از خود ما هم در این شماریم، کار امام خمینی(ره) را عبارت از سرنگون‌سازی یک نظام سیاسی و بر پاسازی یک نظام سیاسی دیگر می‌دانیم؛ در حالی که حقیقت و واقعیت - چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ فلسفی و عرفانی و عقیدتی بسیار فراتر از این است. به پندار این نگارنده، فریادی که امام خمینی(ره) برآورد و یک «دیو»! دو هزار و پانصد ساله، از هیبت این فریاد، قالب تهی کرد و ذوب شد و به زمین فرو رفت، فریاد یک «فرد»، در یک مقطع تاریخی نبود... این فریاد که - به لطف لایزال الهی - هر روز در جهان رساتر می‌شود. فریاد حقیقت‌خواهی و خداجویی و ظلم ستیزی و عدل گرایی کل بشریت محروم و مظلومی بود که قرنها زیر شلاق ستم دوران، استخوان خورد کرده بود. این فریاد، انعکاس فریاد رعد آسای ابراهیم علیه السلام بود که نمرودیان را در آتش افکند؛ انعکاس فریاد موسی علیه السلام بود که فرعونیان را به دریا فرستاد، انعکاس فریاد عیسی علیه السلام بود که قیصران را از تخت فرو کشید و بالاخره انعکاس فریاد محمد صلی ا... علیه وا... بود که بر کنگره ایوان کسرا بیان شکاف انداخت. و در یک کلام: فریاد رعدآسای امام خمینی(ره)، از نهان جان جهان - با روح و زنده و تلاشگر و خداجو - برمی‌آمد، که جوهره واقعی آن توانست علاوه بر نابودسازی قدرتی دیرپا و تا دندان مسلح، در نظام دو قطبی جهان زلزله درافکند و یک پایه آن را تاکنون بکلی برکند. این لرزه که بر اندام «الحاد» مغرور و سر تا پا مسلح و قدرتمند «شرق» افتاد و آن را از بیخ و بن برافکند، باید درست‌شناخته شود: شرق در بنیان «فلسفی» بسیار مغرور و متبکرانه خود، از کلیه عناصر پیشرفته‌ترین دست‌آوردهای «علمی» زمان، بهره جسته بود و با تکیه بر دیرینه شناسی و مردم شناسی و تاریخ و فرهنگ و هنر و فیزیک و شیمی و ریاضیات و همه دانش‌های پیشرفته بشری، اعلام کرده بود که دوران «دین» سپری شده و مقوله «دین» تنها در «نهانخانه تاریخ» قابل بررسی است.

شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۱ | سال هفتم | شماره ۷۷۰ | ۱۱ رجب ۱۴۳۳
Saturday | Vol.7 | No.770 | 2 . June. 2012

یادمان روح الله

جانشین بسیج مستضعفان

امام خمینی (ره) احیا کننده دوباره اسلام بود

علی فضلی در مراسم یاد یاران امام(ره) در مصلی شهریار اظهار داشت: امام(ره) وارث همه خوبی‌ها و ارزش‌های والا بود و برای پیروزی انقلاب چند دهه مجاهدت کرد. وی تصریح کرد: مجاهدت‌های فراوان امام (ره)، علما و مراجع و هم‌چنین خون‌های مقدس شهیدان سبب پیروزی انقلاب اسلامی شد. فضلی پیروزی انقلاب را احیای دوباره اسلام و تشیع دانست و افزود: مجاهدت مردم و ایثارگران باید برای مردم بیشتر بازگو شود. جانشین بسیج مستضعفان کشور با بیان این‌که امام(ره) از همه تاریخ درس گرفته بود، گفت: امام(ره) همه تاریخ را مرور می‌کرد و اعمال ایشان دارای عقبه قرآنی، ائمه و انبیا علیهم‌السلام بود. به گفته وی امام خمینی(ره) از همه تجربه تاریخ بهره گرفت تا انقلاب به ثمر رسید. فضلی به رحلت پیامبر (ص) و امامت علی (ع) اشاره کرد و اظهار داشت: فاطمه (س) برای دفاع و حمایت از ولایت تا پای شهادت ایستاد و با امام حسن و حسین(ع) برای دعوت بیعت با علی (ع) به در خانه خواص می‌رفتند که پس از ۵ روز تعداد ۱۱ نفر خواص مدینه در میدان شهر اعلام بیعت با علی (ع) کردند. جانشین بسیج مستضعفان کشور افزود: به مرور زمان برخی پیمان‌شکنی کردند و مقابل امامت ایستادند و جنگ‌هایی به امام (ع) تحمیل شد. وی با بیان این‌که زبیر از جمله کسانی بود که در رکاب معصوم ۳۵ سال فداکاری و مجاهدت کرد، گفت: زبیر لقب شمشیر اسلام را داشت و نخستین سیلی برای امامت را خورده بود اما در نهایت مقابل امام(ره) حق ایستاد. فضلی فتنه پس از انتخابات را چیزی جز تکرار تاریخ ندانست و تصریح کرد: فتنه کوی دانشگاه قابل قیاس با فتنه پس از انتخابات ریاست جمهوری نیست اما همان عناصر عقبه این فتنه عمیق شدند. جانشین بسیج مستضعفان کشور با بیان این‌که در فتنه عمیق خودی و غیرخودی با هم ممزوج می‌شوند، خاطرنشان کرد: در فتنه عمیق تشخیص حق از باطل مشکل است. فضلی با اشاره به فرمایش امام(ره) که حال افراد مد نظر است، اظهار داشت: این امر را مردم به خوبی داوری می‌کنند و قابل درک است. جانشین بسیج مستضعفان کشور با تأکید براین‌که جامعه به دنبال حق است، گفت: مردم برای حق، عدالت و احیای همه ارزش‌های پایمال شده انقلاب کردند. وی قیام مردم را برای قرآن و عترت توصیف کرد و افزود: هرکس با ارزش‌های انقلاب و ولایت فقیه باشد با او هستیم. فضلی با اشاره به دوران دفاع مقدس خاطرنشان کرد: مردم با اتکال به خدا و به فرمان امام(ره) به جبهه‌ها رفتند و تکلیف خود را ادا کردند. جانشین بسیج مستضعفان کشور امام(ره) را مردم‌شناس معرفی کرد و اظهار داشت: با آغاز جنگ همه آمدند تا به تکلیف خود عمل کنند و آن را نیز انجام دادند. وی با بیان این‌که شکست و پیروزی در جنگ هر دو پیروزی بود، گفت: قدر جانبازان و خانواده شهدا را باید دانست زیرا آن‌ها دارالشفا هستند.

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: جلیل قنادزاده - سردبیر و مدیر اجرایی: علی قره‌داغلی

مناقصه مزایده

تا

www.2rooznameh.com

مدیر آگهی‌ها: مریم عسگری - مدیر هنری: آرش روشنگر

رایانگار مدیر اجرایی: emonaqeseh@gmail.com | رایانگار سردبیر: mozayedeh@gmail.com
رایانگار روابط عمومی: info@2rooznameh.ir | رایانگار تحریریه: emonaqeseh1@gmail.com
رایانگار بازرگانی: monaqeseh1@gmail.com | رایانگار مشترکین: eshterak@2rooznameh.com
نشانی: تهران، خیابان مطهری بعداز چهارراه سهروردی، پلاک ۸۴، طبقه ۳، واحد ۸
تلفن: ۸۸۴۷۵۷۹۰-۲ و ۷۷۶۴۳۴۹۱ | توزیع: مؤسسه شهرستان‌های ایران | لیتوگرافی و چاپ: کارو کارگر

چاپ مقالات و نظرات در این نشریه به معنای تأیید یا رد آن مطالب نبوده و «مناقصه‌مزایده» دارای مشی مستقل خود می‌باشد.

مراسم یاد یاران امام خمینی (ره) برگزار شد

مراسم یاد یاران امام(ره) عصر دوشنبه با حضور علی فضلی جانشین سازمان بسیج مستضعفان کشور در محل مصلای شهرستان شهریار برگزار شد. پس از سخنرانی فضلی، حجت‌الاسلام سالمی امام جمعه و جوهری فرماندار شهرستان شهریار، مراسم تجلیل از خانواده‌های شهدا و ایثارگران این شهرستان برگزار شد. امام جمعه شهرستان شهریار در این مراسم در سخنانی گفت: در واقع برگزاری چنین همایش‌هایی به تقویت روحیه شهادت و ایثار در جامعه به‌خصوص بین جوانان و نوجوانان کمک شایانی می‌کند. برگزاری محافل و یادواره‌های شهدا زمینه‌ساز دشمن شناسی است. وی عنوان کرد: هم‌چنین حضور در این محافل زمینه‌ساز دشمن شناسی، شناخت نقشه‌های دشمنان و مبارزه با آن‌ها و آشنایی با جنگ نرم دشمن در جوانان خواهد شد. سالمی ادامه داد: اهداف بلند مدت ملت ایران و هم‌چنین خانواده‌های شهدا نیز مبارزه با توطئه‌های دشمنان و دفاع از دستاوردها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و آرمانهای امام راحل و شهداست. امام جمعه شهرستان شهریار توصیه کرد: امید می‌رود این محفل آخرین مراسم در این بخش نباشد و در سال جاری با اهتمام ویژه مسؤولان تعداد آن افزایش معناداری داشته باشد. وی اظهار داشت: برگزاری این محافل مقدس و مبارک علاوه بر رضایتمندی رهبر معظم انقلاب، موجب شادی روح امام(ره) و ارواح مطهر شهدا خواهد شد و همه مسؤولان به عنوان سربازان ولایت موظف به تحقق این مهم هستند. در این مراسم از ۶۰ نفر از خانواده‌های شهدا، ایثارگران و جانبازان شهرستان شهریار با اهدای لوح تقدیر و تندیس ویژه ایثار و شهادت تجلیل و قدردانی شد. هم‌چنین در این مراسم از ۲۸ خانواده‌ای که دارای دو فرزند شهید بودند، از سوی فضلی و مسؤولان تجلیل و قدردانی شد.

حسینی، شهردار شهریار

امام خمینی (ره) به مسلمانان در جهان عزت داد

امام خمینی(ره) ۱۳ خرداد به قم آمدند و خطبه ضد آمریکایی و ضد اسراییلی را آن‌گونه شجاعانه گفتند و نباید از یاد برد که آن روزها اصلا کسی از فتنه آمریکا و اسراییل اطلاعی نداشت و تشخیص این فتنه نیازمند هوش و زکاوت بود که این هوش و زکاوت مخصوص امام(ره) بود.

از علما تعهد گرفته بودند که در مورد ۳ مطلب صحبت نشود و اشخاصی نیز نزد امام آمدند و پیام شاه را به امام(ره) رساندند و گفتند شما از هرچه می‌خواهید صحبت کنید اما وارد بحث اسراییل و آمریکا نشوید که همان‌جا امام(ره) نقطه ضعف آن‌ها را تشخیص دادند و آن حملات کوبنده بر اسراییل و آمریکا شکل گرفت. امام خمینی در اکثر جاها شاه را نصیحت کرده است و بارها و بارها حملات شدید و کوبنده خود را متوجه آمریکا و اسراییل ساخته که این ناشی از هوش و زمان شناسی امام(ره) دارد. امام خمینی(ره) اولویت‌ها را به خوبی می‌شناختند. پس از آن سخنرانی‌های کوبنده تصمیم می‌گیرند امام(ره) را به ترکیه تبعید نمایند و این کار صورت می‌گیرد. سپس امام(ره) در ترکیه نیز به روشنگری می‌پردازند تا جایی که دولت ترکیه از ترس آگاهی علما از دولت ایران می‌خواهد هرچه زودتر امام(ره) را از ترکیه خارج و به کشور دیگری تبعید نماید. پس از این حادثه شاه و اطرافیانش تصمیم می‌گیرند به هدف کم رنگ شدن امام ایشان را به نجف اشرف تبعید نمایند زیرا عقیده داشتند آن جا تعداد زیادی از علما و مجتهدان حضور دارند و نقش امام در میان آن‌ها کم رنگ خواهد شد. آن‌ها اشتباه می‌کردند زیرا ارزش‌های واقعی امام در آن محیط‌ها خود را به خوبی نشان داد و اصولا ارزش‌های اصلی و واقعی انسان‌ها زمانی آشکارتر می‌گردد که در محیط لازم و شرایط بهتر قرار گیرند. نجف اشرف نیز فرصت بهتری بود تا امام یاران خود را جمع نماید و ارزش‌های واقعی امام در محیط‌های معنوی و پراز آگاهی نجف خود را بیشتر نشان داد. امام مسلمان‌ها را در دنیا مطرح کرد در حالی که تا قبل از آن مسلمان‌ها را انسان‌هایی عقب مانده و بی‌سواد می‌دانستند. اما عصر امام(ره) باعث شد تا مسلمانان در جهان عزت یابند. امام(ره) مرتجع‌ترین دولت را در سطح خاورمیانه از بین برد کسی فکر نمی‌کرد که بشود شاه را از بین برد زیرا تمام دنیا شاه ایران را حمایت می‌کردند. کسی نمی‌توانست قبول کند که اسلام می‌تواند کشوری را اداره نماید اما امام(ره) این را ثابت کرد که اسلام می‌تواند به خود باوری برسد و شعار نه شرقی نه غربی امام جو کاذب رعب از آمریکا و غرب را برهم زد امام به دنیا اعلام کرد نه زیر بلیت شرق می‌رویم نه زیر بلیت غرب زیرا ما اسلام را داریم و جمهوری اسلامی می‌خواهیم. بسیاری از نظریه ولایت مطلقه فقیه حضرت امام(ره) برداشتی استبدادآمیز دارند در حالی که اساسا «اطلاق» ولایت فقیه در برابر ولایت نسبی مطرح می‌شود. یعنی نباید اختیارات ولی فقیه را محدود و مقید به امور خاص دانست. لذا هیچ محدودیتی جز محدوده مصالح مردم و قوانین الهی و موازین و ضوابط اسلامی در زمینه اختیارات فقیه عادل وجود ندارد. امام راحل، هم در بیانشان و هم در آثار مکتوب خود به وضوح مرزهای اختیارات ولی فقیه را در چارچوب قوانین الهی و مصالح عمومی تعریف نموده‌اند که همان مرزهای آزادی است. ولی فقیه در حقیقت به شکلی فعال، هدایتگر جامعه و مجریان کشور در مسیر صحیح اسلامی است و دولت و نظام سیاسی به واسطه این نوع دخالت و کنترل فقیه، مشروعیت می‌یابد. به فرموده امام(ره): «دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد. ولایت فقیه آن‌طور که اسلام مقرر فرموده است و ائمه ما نصب فرموده‌اند به کسی صدمه وارد نمی‌کند، دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد. کاری که برخلاف مصالح مملکت است انجام نمی‌دهد.»

در بحث نقد پذیری در اندیشه امام خمینی (ره)، تأکید ایشان به نظارت درونی است. از منظر ایشان قدرت فی نفسه خیر است و در صورتی خطرناک وتهدیدی برای جامعه که در دست اشخاص غیر مهذب باشد و فساد نیز ناشی از همین قدرتمندان بی‌تقواست. ایشان با تأکید بر نظارت درونی به اهمیت نظارت بیرونی نیز بی‌توجه نیست و همواره بر نظارت مردم بر حکومت تأکید داشت. از منظر امام، نظارت بیرونی باید از سوی مردم اعمال شود تا مانع انحراف دولت از مسیر اسلامی و انسانی شود.

در بحث قانون گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) آن چه بر همه حاکمیت دارد قانون است و هیچ کس از حاکمیت قانون بیرون و فراتر از قانون و فوق قانون نیست. در این دیدگاه نظام اسلامی، نظام حاکمیت قانون است. نظامی که در آن همه چیز و همه کس تابع قانون است. در اندیشه امام(ره) معیار همه امور میزان همه کارها، مبنای عمل همه اشخاص و سازمان‌ها و نهادهای یک اجتماع قانون است و آن چه سلامت امور را تأمین می‌کند قانون گرایی است. در نهایت: امام(ره) مظهر کرامت و انسان کامل الهی بود و تأثیر شگرف خود را بر مردم به جای گذاشت. تأثیری که بعد از ۲۱ سال از رحلت ایشان دچار نقصان نگردیده و این نفوذ بر آحاد ملت ایران و ملت‌های آزاده دنیا باقی است که روز به روز فزونی می‌یابد. امام خمینی(ره) به مسلمانان در جهان عزت دارد.

دشمن غافل از آن بود که اگرچه امام(ره) امت چشم از دنیا فرو بست اما شاگردان و مریدان او که سال‌ها در مکتبش هم در عرصه نظر و هم در عرصه عمل کسب فیض کرده بودند راه او را ادامه خواهند داد. لذا راه و مشی حضرت امام(ره) توسط شاگردان ایشان و براساس دیدگاه‌ها و نظریات ایشان ادامه پیدا کرد و امروز نظام جمهوری اسلامی ایران پویاتر و مقتدرتر از گذشته به راه خود ادامه می‌دهد و آرمان‌های امام(ره) خود را سرلوحه کار خود قرار داده است. بی‌شک رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای که پس از رحلت جانسوز حضرت امام(ره) زعامت امت اسلامی را عهده دار شدند در تداوم راه و اندیشه امام راحل غیرقابل انکار است. رهبر معظم انقلاب پس از رحلت امام(ره) نزدیک‌ترین فرد به ایشان از ابعاد گوناگون بودند. شخصیتی که توانست با حضور خود در مسؤولیت رهبری امت یاد و خاطره امام(ره) را در دل‌ها زنده نگه دارد و لحظه‌ای تردید در ادامه راهی که امام پیش‌روی ملت نهاده بود نکند. ایشان با دلی مالامال از عشق و ارادت به امام راحل و با سرلوحه قرار دادن رهبری بی‌بدیل امام(ره)، این انقلاب بی‌مانند جهان را به درستی هدایت کرده‌اند.

یاد آن رهبر الهی و جهان اندیش به عنوان نمادی از منادی و حافظ کرامت بشری در خاطره‌ها همواره زنده خواهد ماند.